



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عظیم صابری

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

قرآن

سچی

(تفسیر دو شوقی التعمیر آت)



پہ اہتمام اسید بھارتی امین
با نظارت ڈاکٹر محمد بیسوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عیسی علیه السلام در قرآن کریم

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	عیسی علیه السلام در قرآن کریم
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۹	الأهداء
۹	متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سید مرتضی خاتمی در خصوص
۱۰	پیش گفتار
۱۰	آیات مرتبط قرآن با بحث
۱۱	فصل ۱ داستان عیسی
۱۱	الف بشارت به مریم
۱۱	۱ پسری پاکیزه در راه است
۱۱	۲ «کلمه» بودن عیسی
۱۲	۳ معنی مسیح و عیسی
۱۲	ب تکلم در گهواره
۱۲	۱ تکلم در کهولت یعنی چه؟
۱۳	۲ مسیح، در گهواره چه می گوید؟
۱۴	ج معجزات عیسی
۱۴	معجزات عیسی
۱۴	۱ تفاوت معجزات عیسی با سایر پیامبران
۱۴	۲ آفرینش پرنده از خاک
۱۵	۳ شفای کور مادرزاد و پیس
۱۵	۴ زنده کردن مردگان
۱۵	۵ خبر دادن از آنچه مردم می خورند و ذخیره می کنند.
۱۵	۶ تأکید ویژه بر «يَاذُنِ اللَّهِ» برای برخی معجزات

- ۷ تولد خارق‌العاده و سخن گفتن در گهواره و نزول مائده ۱۵
- ۸ آیا بیان این معجزات تنها برای تحدی بوده است؟ ۱۶
- ۹ علت انجام معجزات خاص هر پیامبر ۱۶
- د حواریون - ۱۶
- ۱ حواریون چه کسانی بودند؟ ۱۶
- ۲ حواریون ایمان می‌آورند ۱۷
- ۳ ایمان بعد از ایمان حواریون ۱۸
- ۴ تأکید عیسی و حواریون بر خدایی بودن راهشان ۱۸
- ۵ رحمت و رأفت حواریون ۱۸
- ه مائده آسمانی - ۱۹
- ۱ درخواست حواریون ۱۹
- ۲ اهداف حواریون از نزول مائده ۱۹
- ۳ دعای زیبای مسیح ۲۰
- ۴ وعده به مجازاتی بی‌نظیر ۲۱
- ۵ آیا مائده آسمانی نازل شد؟ ۲۱
- ۶ آیا ماجرای نزول مائده در انجیل آمده است؟ ۲۲
- و سرنوشت عیسی ۲۲
- ۱ مسیح به صلیب کشیده نشد و کشته نشد ۲۲
- ۲ عیسی نزد خدا می‌رود ۲۳
- فصل ۲ صفات و وظایف عیسی ۲۴
- الف صفات عیسی ۲۴
- ۱ - وجه ۲۴
- ۲ مقرب ۲۵
- ۳ صالح ۲۵
- ۴ رسول ۲۵
- ۵ ادب ۲۶

۲۶	۶ وسیله علم به قیامت
۲۷	ب الطاف خداوند بر عیسی
۲۷	۱ تأیید شده به روح القدس
۲۷	۲ دارنده بیتنات
۲۷	۳ تعلیم داده شده به کتاب و حکمت و تورات و انجیل
۲۹	۴ پاکیزه شده از کفار
۲۹	۵ مبارک
۲۹	۶ جبار و شقی نبودن
۳۰	۷ توصیه شده به نماز و زکات
۳۰	۸ توصیه شده به نیکی به مادر
۳۰	ج وظایف عیسی
۳۰	۱ تصدیق کردن تورات
۳۰	۲ حل کردن اختلاف مردم
۳۱	۳ حلال کردن بعضی حرامها
۳۱	۴ بشارت به ظهور احمد
۳۲	فصل ۳ مسیحیت
۳۲	الف مسیحیت اولیه
۳۲	مسیحیت اولیه
۳۲	۱ تورات واقعی و تحریف شدن آن
۳۲	۲ انجیل حقیقی و اناجیل اربعه
۳۳	۳ پیروزی همیشگی پیروان مسیح بر کفار
۳۴	۴ رهبانیت و شکل‌گیری آن
۳۵	ب اعتقادات مسیحیت
۳۵	۱ تثلیث
۳۵	۲ مسیح، فدایی گناهان مردم
۳۶	۳ پرستش مریم

- ۳۷ ۴ اطاعت بی قید و شرط از راهبان
- ۳۸ ج نکاتی در رد الوهیت مسیح
- ۳۸ ۱ مقایسه عیسی و آدم
- ۳۸ ۲ غذا خوردن عیسی و مریم
- ۳۹ ۳ تأکید مسیح بر بنده خدا بودنش
- ۴۰ ۴ تأکید بر «يَاذُنِ اللّٰهِ» در وقوع معجزات
- ۴۰ ۵ تأکید بر «ابن مریم»
- ۴۰ ۶ برای خدا واژه «سختی» وجود ندارد
- ۴۱ د اعتقاد به تثلیث و نتیجه آن
- ۴۱ ۱ مکالمه در روز قیامت
- ۴۲ ۲ استکبار
- ۴۳ ۳ هم آهنگ شدن با مشرکین
- ۴۴ «کتابنامه»
- ۴۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عیسی علیه السلام در قرآن کریم Jesus Christ (P.B.U.H) in Quran تألیف: سید زهیر (رضا) لواسانی از سری کتابهای روش انس با قرآن با نظارت: دکتر محمد بیستونی با همکاری و کارشناسی: اسدالله اسدی گرامرودی (صفحه ۱) (صفحه ۲) **** لواسانی، زهیر عیسی (ع) در قرآن کریم = Jesus Christ (P.B.U.H) in Qumran تألیف زهیر (رضا) لواسانی؛ با نظارت محمد بیستونی؛ با همکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرامرودی. تهران: بیان جوان. ۱۳۸۳. ۱۹۳ ص. (... سری کتابهای روش انس با قرآن) ۱۶۶ - ۸۳۹۹ - ۹۶۴ ISBN فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. کتابنامه ص ۱۸۴ ۱۸۵؛ همچنین به صورت زیر نویس. ۱. عیسی مسیح در قرآن ۲. عیسی مسیح - تفاسیر اسلامی. ۳. مسیحیت در قرآن. الف. بیستونی، محمد، ۱۳۳۷. ب. اسدی گرامرودی، اسدالله، ۱۳۴۰. ج. عنوان. ۹ ل ۹ ع / ۱۰۴ / ۲۹۷ / ۱۵۹ BP کتابخانه ملی ایران ۲۲۱۶ ۸۳ **** عنوان: عیسی (ع) در قرآن کریم مؤلف: سید زهیر (رضا) لواسانی با همکاری و کارشناسی: اسدالله اسدی گرامرودی با نظارت: دکتر محمد بیستونی مدیر اجرایی: علی اکبر هادی ویراستاری و تایپ و صفحه آرایی: سهیلا شاکری، فاطمه سرزهی چاپ و صحافی: سلیمان زاده نوبت و تاریخ چاپ: سوم، سال ۱۳۸۶ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ناشر: انتشارات بیان جوان شابک: ۶۱۶ - ۸۳۹۹ - ۹۶۴ ISBN هر گونه نسخه برداری و چاپ از این کتاب به منظور توسعه فرهنگ قرآن کریم، با اخذ مجوز کتبی از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بلا مانع است. نشانی: تهران خیابان پاسداران بالاتر از گلستان هشتم (خیابان شهید کاظمی) شماره ۳۵۳ طبقه همکف واحد ۴ تلفکس: ۰۹۱۲۱۰۸۵۳۲۲۲۵۸۹۶۲۶ Email: DR_M_ BISTOONI@FaraCo.com (صفحه ۳)

مقدمه

الْأَهْدَاءُ

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةِ الْمُضَيَّفِي وَ بَهَجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّيِّدَتَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّيْخَةِ الْمَعْصُومِينَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةَ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ، الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعُضَيْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَ يَا مُبْدِلَ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ (صفحة ۴) مُرْجَاهُ مِنْ وَلَايِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرَةٍ رَحْمَةٍ مِنْكَ إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (صفحة ۵)

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سید مرتضی خاتمی در خصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی بسم الله الرحمن الرحيم قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید، مبشر نور و برکت و «نسخه شفا بخش» برای همه انسان ها می باشد. این نور روشنگر و ابر باران خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و

فعالیت‌های فردی و اجتماعی همه انسانها خصوصا «اهل قبله» قرار گیرد. در همین راستا، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی در خدمت «قرآن و مساجد» بوده است. در یک تلاش طاقت‌فرسا و منظم که بنده از ۱۰ سال پیش، مستقیماً در جریان آن قرار گرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق (صفحه ۶) «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» ابداع نموده است و کلیه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصا تألیف کرده و همه آن‌ها را قبل از چاپ و نشر برای «تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن‌ها را از اول تا آخر مطالعه و تصحیح نمودم. تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموماً در حوزه «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای قرآن کریم» می‌باشد، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدینین خصوصاً «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می‌تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصاً در حوزه‌های علمی و دانشگاهها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد. از ویژگی‌های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای (تفسیر قرآن با قرآن)» می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است. امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی (صفحه ۷) ایشان که بحمدالله اخیراً به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می‌باشد، حداکثر استفاده را بنمایند. آرزو می‌کنم خداوند تبارک و تعالی به این برادر با ذوق و علاقمند به قرآن و مسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاشهای مفید و مؤثر قرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید. بتاريخ ۲ / ۷ / ۱۳۸۲ ه. ش ۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۴ ه. ق مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله سید مرتضی خاتمی (صفحه ۸)

پیش‌گفتار

این نوشتار مجموعه‌ای از آیات قرآن، پیرامون عیسی علیه‌السلام و مسیحیت و تفسیرهای مرتبط با آن است که در آن از کتب تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، مخزن العرفان، عیسی در قرآن و انجیل استفاده شده است. مطالبی که از کتب تفسیر نقل شده است، عموماً به طور خلاصه شده است. خواننده پس از مطالعه این نوشتار با داستان عیسی و یارانش و صفات و وظایف او از دیدگاه قرآن آشنا می‌شود، همچنین اعتقادات مهم مسیحیت و نظر قرآن در رابطه با آن را فرا می‌گیرد. از آقای دکتر محمد بیستونی که با برنامه‌ریزی ایشان، این تحقیق به ثمر نشست، تشکر می‌کنم. هم‌چنین از پدرم که در انجام تحقیق و اصلاح آن، یاورم بودند (صفحه ۹) سپاسگزارم. با امید به آن که با درک مفاهیم قرآن و الگوپذیری از فرستادگان و مقرّبان الهی، حیاتی توأم با خود آگاهی و حقیقت‌جویی داشته باشیم. سید زهیر (رضا) لواسانی مرداد ۱۳۸۲ تهران

آیات مرتبط قرآن با بحث

جدول آیاتی از قرآن که «مستقیماً» پیرامون «عیسی» و «انحراف مسیحیت» است ردیف شماره سوره نام سوره تعداد آیات مربوطه شماره آیات (صفحه ۱۰) ۱: ۲ البقره ۳ / ۸۷ - ۱۳۶ - ۲۵۳: ۲ آل عمران ۱۰ / ۴۵ - ۴۶ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۵ - ۵۹ - ۸۴: ۳ النساء ۵ / ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۶۳ - ۱۷۱ - ۱۷۲: ۴ المائده ۱۴ / ۱۷ - ۴۶ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۵ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸: ۵ الانعام ۱ / ۸۵ ردیف شماره سوره نام سوره تعداد آیات مربوطه شماره آیات (صفحه ۱۱) ۶: ۹ التوبه ۲ / ۳۰ - ۳۱: ۷: ۱۹ مریم ۱۰ / ۱۹ - ۲۱ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶: ۸: ۳۳

فصل ۱ داستان عیسی

الف بشارت به مریم

۱ پسری پاکیزه در راه است

مریم دور از خانواده و قومش به سر می‌برد. اکنون او، تنهای تنها، خارج از شهر است. مردی را می‌بیند که به طرفش نزدیک می‌شود. مضطرب می‌شود و به او می‌گوید: اگر با تقوا هستی، از تو به خداوند مهربان پناه می‌برم. اما آن مرد به قصد بدی پیش مریم نیامده بود، بلکه روحی از خدا بود که به صورت مردی ظاهر شده بود. (۱) او باید پیام مهمی را به مریم می‌داد. سخنش را این چنین آغاز کرد: **** ۱ - ۱۷ و ۱۸ / مریم. (صفحه ۱۳) «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (۱۹ / مریم). گفت: همانا من فرستاده پروردگارت هستم تا به تو پسری پاک و پاکیزه ببخشم. مریم بسیار تعجب می‌کند و می‌گوید: من چطور صاحب پسری شوم در حالی که هیچ بشری به من نزدیک نشده است و جزء بدکاران نیز نبوده‌ام. مرد می‌گوید: برای پروردگارت آسان است. پسرت برای مردم نشانه‌ای خواهد بود و رحمتی از طرف خداوند. (۱) آری! خداوند، این چنین مژده پسری را به مریم می‌دهد. همان پسری که افتخاری می‌شود برای مادرش. در جای دیگری از قرآن نیز، فرشتگان این بشارت را به مریم می‌دهند. **** ۱ - ۲۰ و ۲۱ / مریم. (صفحه ۱۴) «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (۴۵ / آل عمران). هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح عیسی پسر مریم است.

۲ «کلمه» بودن عیسی

در آیه ۴۵ سوره آل عمران، خداوند مریم را به کلمه‌ای بشارت می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» (۴۵ / آل عمران). همانا خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خودش بشارت می‌دهد. حال، این سؤال مطرح می‌شود که مراد از «کلمه» چیست؟ و چرا از (صفحه ۱۵) عیسی به «کلمه» نام برده شده است؟ تفسیر المیزان جواب این سؤال را این چنین می‌دهد. چهار نظریه، در مورد مراد از «کلمه» وجود دارد. اول این که منظور از آن، مسیح است زیرا انبیاء گذشته او را بشارت دادند و در آیه ۱۳۷ اعراف کلمه را به ظهور موسی اطلاق کرده است. در جواب باید گفت: قرآن عیسی را بشارت دهنده معرفی می‌کند و نه بشارت داده شده. پس این نظریه صحیح نیست. نظریه دیگر این است که مراد از کلمه، عیسی است، زیرا منظور و مراد تورات را روشن می‌کند و تحریفات یهودیان را مشخص می‌کند اما در این آیه قرائنی در این باره موجود نیست. نظریه سوم این است که مراد از کلمه «بشارت» است یعنی خدا بشارت می‌دهد به بشارتی که تولد عیسی است ولی چون در آیه «اسمه المسیح» آمده است مطابقت ندارد لذا (صفحه ۱۶) این نظریه نیز اشتباه است. اما نظریه آخر که قابل اعتماد است بیان می‌کند که مقصود از کلمه، عیسی است، زیرا عیسی، «کلمه ایجاد» است و به دنیا آمدن و موجودیت عیسی با تمام بشر متفاوت است و وجودش به وسیله کلمه «تکوین» صورت گرفته است، لذا نتیجه می‌گیریم که به واسطه تولد استثنایی عیسی مراد از کلمه و منظور از واژه «کلمه»

«کلمه ایجاد» است. (۱) تفسیر نمونه هم مطلبی مشابه تفسیر المیزان آورده است. استفاده از «کلمه» در این آیه، به خاطر تولد فوق‌العاده عیسی است. البته کلمه در قرآن به معنی مخلوق نیز به کار می‌رود (در آیه ۱۰۹ کهف مشخص شده است)، لذا **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۰ الی ۳۴۲. (صفحه ۱۷) در اینجا نیز، فرشتگان می‌گویند: مریم! خداوند تو را به مخلوقی بشارت می‌دهد. (۱) در آیه دیگری از قرآن، کلمه بودن عیسی ذکر شده است. «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ» (۱۷۱ / مریم) فقط و فقط مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خداست و کلمه او بر مریم افتاده است.

۳ معنی مسیح و عیسی

**** ۱ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۵۴۸. (صفحه ۱۸) خداوند، نام کلمه بشارت داده شده را «مسیح» و «عیسی» ذکر می‌کند. «اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (۴۵ / آل عمران) اسم او، مسیح، عیسی پسر مریم است. حال، به بررسی واژه مسیح و علت نام گذاری پسر مریم، به این نام از دو کتاب تفسیر می‌پردازیم. مسیح یعنی «مسح کننده» و علت نام گذاری عیسی به این نام یا به این خاطر است که به یمن و تبرک «مسح شده» و یا به تطهیر از گناهان مسح شده، یا به روغن زیتونی که انبیاء را با آن مسح می‌کردند و یا به جهت مسح نمودن چشم کور و شفا دادن آن و یا مسح نمودن موارد دیگر، همچنین این نام می‌تواند دربردارنده مبارک بودن او باشد (طبق آیه ۳۱ / مریم). نام مسیح، همان «مشیحا» است که در کتب عهدین ذکر شده (صفحه ۱۹) است. (۱) مسیح به معنی «مسح کننده» یا «مسح شده» است که احتمالاً به خاطر دست کشیدن او به بیماران لاعلاج و شفا یافتن آنهاست و چون فقط او می‌توانست این کار را انجام دهد نام مسیح برای او انتخاب شد. همچنین انتخاب نام مسیح برای عیسی می‌تواند به این علت باشد که خدا او را از گناه مسح کرد و پاک گردانید. (۲) در رابطه با واژه «عیسی» علامه طباطبایی معتقد است: بعضی معتقدند اصل کلمه عیسی، «یشوع» بوده که به معنی «شخص **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۲ و ۳۴۳. ۲ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۴۸ و ۵۴۹. (صفحه ۲۰) نجات دهنده» است و بعضی دیگر معتقدند به معنی «یعیش» است، زیرا نام فرزند زکریا «یحیی» است. تفسیر دوم مناسب‌تر است. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۳. (صفحه ۲۱)

ب تکلم در گهواره

۱ تکلم در کهولت یعنی چه؟

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» (۴۶ / آل عمران) و با مردم در گهواره صحبت می‌کند و در کهنسالی (نیز صحبت می‌کند). کهلاً یعنی چه؟ و سخن گفتن عیسی در سنین کهولت چه ویژگی‌ای دارد که در این آیه ذکر شده است؟ ابتدا از نظر تفسیر نمونه به این سؤالات پاسخ می‌دهیم. از سوره مریم می‌توان متوجه شد که عیسی در همان روزهای آغازین تولدش سخن می‌گوید که این معجزه‌ای بزرگ است. اما سخن گفتن در کهولت می‌تواند به این مفهوم باشد که عیسی همانطور در مهد سخن می‌گوید که در سنین کهولت و (صفحه ۲۲) بزرگسالی صحبت می‌کند. و یا به این معناست که عیسی از آغاز تولد تا سن کهولت سخن حق می‌گوید و به ارشاد مردم می‌پردازد. به علاوه می‌تواند تأییدی باشد بر رفتن او به آسمان و بازگشت او

به میان مردم در زمان ظهور امام زمان. زیرا طبق تواریخ، حضرت عیسی ۳۳ سال در میان مردم زندگی کرد. (۱) با توجه به آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره مریم (که سخنان عیسی در گهواره را ذکر کرده است) مشخص می‌شود که سخنان عیسی بسیار پیخته است لذا به نظر می‌رسد که منظور از کَهَلًا این است که عیسی همانطور در گهواره سخن می‌گفت که در سن کهولت سخن می‌گوید. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گفته است: ****۱ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۴۹ و ۵۵۰. (صفحه ۲۳) استفاده از «کَهَلًا» در آیه نشان دهنده زندگی کردن عیسی تا زمان کهولت است. «کَهَلٌ» کسی است که دوره جوانی‌اش تمام شده باشد و هنوز پیر نشده باشد. بعضی معتقدند سخن گفتن با مردم بعد از نزول او از آسمان است. در اناجیل مدت اقامت او در زمین ۳۳ سال است و بعضی معتقدند مدت زندگی عیسی ۶۴ سال بوده است. از «فی المهد و کَهَلًا» نتیجه می‌شود که انتهای عمر او سن کهولت است. سخن گفتن در گهواره، خیلی تعجب برانگیز نیست، زیرا کودک ۲ ساله‌ای که هنوز در گهواره است، کم و بیش می‌تواند صحبت کند، اما ظاهر آیه می‌رساند که عیسی مانند آدم کامل و عاقل در گهواره سخن می‌گوید که این موضوع با آیه ۳۱ مریم نیز تطابق دارد. (۱) ****۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۴ الی ۳۴۶. (صفحه ۲۴)

۲ مسیح، در گهواره چه می‌گوید؟

مریم، همراه پسرش در حال حرکت به سمت شهرش است. او شاید با خود می‌گوید که جواب تهمت‌های مردم را چه بدهد، که خداوند این سؤالش را این چنین پاسخ می‌دهد: اگر کسی را دیدی بگو روزه سکوت گرفته‌ام و امروز هرگز سخن نمی‌گویم. مریم که آرام گرفته است وارد شهر می‌شود. مردم، حیرت کنان به مریم و فرزندش که در آغوشش جای گرفته می‌نگرند و احتمالاً در این فکرند که مریم چگونه صاحب این پسر شده است. به او می‌گویند: ای خواهر هارون! پدر و مادر تو که بدکاره نبودند. مریم با اشاره به آن‌ها می‌فهماند که از خود نوزاد سؤال کنید. مردم که منظور مریم را فهمیده‌اند با تمسخر به او می‌گویند: چگونه با نوزادی که در گهواره (صفحه ۲۵) است سخن گوئیم؟ (۱) در این حین، ناگهان نوزاد شروع به سخن می‌کند. با سخن گفتنش حقایق را روشن و مخالفین مریم را خاموش می‌کند. گویی تمامی غصه‌های مریم به شادی تبدیل می‌شود. چهره به ظاهر مؤمن مخالفین مریم، وحشت زده می‌شود. مسیح این گونه با سخن گفتنش مریم را شادمان و معارف الهی را بیان می‌کند: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم / ۳۰) گفت: همانا من بنده خدا هستم. او به من کتاب داده است و مرا پیامبر قرار داده است. ****۱ - ۱ - ۲۶ الی ۲۹ / مریم. (صفحه ۲۶) «وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم / ۳۱) و هر کجا که باشم مبارکم کرده است و تا زنده هستم مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. «وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (مریم / ۳۲) و نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و مرا گردنکش و شقی قرار نداده است. «وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أُمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم / ۳۳) و درود بر من روزی که متولد شدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده برانگیخته شوم. عیسی با این جملاتش اولاً پاکی مریم را اثبات می‌کند و ثانیاً بخشی از ویژگی‌های شخصی‌اش را بیان می‌کند که عبارتست از بنده خدا بودن، داشتن کتاب، پیامبر بودن، مبارک بودن، جبار و شقی نبودن و بر خودش درود می‌فرستد. که در این‌باره در بخش دوم کتاب به تفصیل توضیحاتش می‌آید و ثالثاً توصیه‌های خدا به بنده‌اش را می‌گوید که عبارتست از نماز خواندن، زکات دادن و نیکی به مادر. اکنون مریم، ثمره سختی‌هایی که برایش پیش آمده را می‌بیند و یکباره ورق برمی‌گردد، تا چند لحظه پیش مخالفین مریم سعی در بی‌آبرو کردن او داشتند و مریم در میان این جمع حتی از خود دفاع نمی‌کرد و اکنون بی‌گناهی و پاکی مریم ثابت شده است و در آن

طرف مخالفین مریم شرمگین از تهمتشان. آری! برای خدا هیچ کاری ندارد که بدین حالت اوضاع یک قوم را تغییر دهد و مؤمنین را پیروز گرداند. او به مؤمنین وعده داده است که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» اگر خدا را یاری کنید او شما را یاری می‌کند. (۷ / محمد) (صفحه ۲۸)

ج معجزات عیسی

معجزات عیسی

آن نوزادی که در گهواره سخن می‌گفت، همانطور که وعده داد، به پیامبری برگزیده شد و مسلماً هر پیامبری برای اثبات گفته‌هایش معجزه می‌آورد.

۱ تفاوت معجزات عیسی با سایر پیامبران

معجزات مسیح با معجزات سایر پیامبران تفاوت دارد زیرا معجزات او، مربوط به روح و حیات است. در قسمتی از آیه ۲۵۳ بقره می‌خوانیم: «وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَآيَاتِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (۲۵۳ / بقره) و به عیسی پسر مریم نشانه‌های آشکاری دادیم و او را با روح القدس یاری کردیم. (صفحه ۲۹) در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه راجع به این موضوع آمده است که: دادن «بینات» میان تمامی پیامبران وجود دارد اما در عیسی به طور ویژه‌ای وجود داشته زیرا معجزات او تماماً مربوط به روح و حیات است مثل زنده کردن مردگان، شفا دادن نابینای مادرزاد، خلق پرنده و ... در این آیه نیز وقتی درباره برتری عده‌ای از پیامبران صحبت می‌شود، تنها کسی که خدا به وسیله روح القدس او را تأیید و یآوری می‌کند، حضرت عیسی است. (۱) منظور از بینات که به معنی نشانه‌های روشن است، معجزاتی مانند زنده کردن مردگان و شفای بیماران لاعلاج است. همچنین تأیید به روح القدس تنها شامل عیسی **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ج ۲، ص ۴۵۳ و ۴۵۴. (صفحه ۳۰) می‌شود که به دلیل سهم بیشتر او نسبت به سایر پیامبران در این زمینه است. (۱)

۲ آفرینش پرنده از خاک

یکی از معجزات مسیح این بود که از گل پرنده‌ای می‌ساخت و سپس با دمیدن در آن، مجسمه گلی تبدیل به پرنده واقعی می‌شد. «وَ رَسُولاً- إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ» (۴۹ / آل عمران) و فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل (می‌گوید): همانا من نشانه‌ای از پروردگارتان **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۵۴. (صفحه ۳۱) برایتان آورده‌ام. من از گل چیزی شبیه پرنده برای شما می‌سازم سپس در آن می‌دمم پس آن به اذن خدا پرنده می‌شود. «وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي» (۱۱۰ / مائده). و (به یادآور) هنگامی که به اذن من از گل پیکر پرنده می‌ساختی سپس در آن می‌دمیدی پس به اذن من پرنده‌ای می‌شد. در دو آیه فوق، این معجزه جالب و منحصر به فرد عیسی به طور مشخص و دقیق آورده شده است. در ادبیات فارسی دم مسیحا، سمبل مبارکی و حیات آفرینی است، اعم از حیات معنوی یا مادی. (صفحه

۳ شفای کور مادرزاد و پیس

پسی یا بَرَص، بیماری است که در آن شخص بیمار لکه‌های سفیدی بر روی بدنش ظاهر می‌شود. مسیح، این نوع بیماری‌ها و همچنین کورهای مادرزاد را شفا می‌داد. «وَأُبرئِ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ» (۴۹ / آل عمران). و کور مادرزاد و مبتلا به برص (پیس) را بهبودی می‌بخشم. «وَأُتْبِرِ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي» (۱۱۰ / مائده) و کور مادرزاد و پیس را بهبودی می‌دادی به اذن من. در دو آیه فوق نیز، این معجزه مسیح صریحا بیان شده است. (صفحه ۳۳)

۴ زنده کردن مردگان

عجیب‌ترین معجزه عیسی را می‌توان زنده کردن مردگان دانست، زیرا کاری است تنها و تنها مختص خدا و به نظر می‌رسد حتی با پیشرفت بسیار زیاد علم و دانش، نمی‌توان همچنین کاری انجام داد. «وَأُحْيِ الْمَوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ» (۴۹ / آل عمران) و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم. «وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتِي بِإِذْنِي» (۱۱۰ / مائده) و هنگامی که مردگان را به اذن من بیرون می‌آوردی. نظر علامه طباطبایی در رابطه با این قسمت از آیه ۱۱۰ سوره مائده این است که: از «تُخْرِجُ الْمَوْتِي بِإِذْنِي» فهمیده می‌شود که عیسی مردگان در قبر را زنده (صفحه ۳۴) می‌کرده است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در کافی آمده است که عیسی به همراه مادر یکی از دوستانش که فوت کرده بود به قبرستان می‌رود و آن دوستش را به اذن خدا زنده می‌کند و تا ۲۰ سال آن شخص زنده می‌ماند که در این مدت ازدواج می‌کند و دارای فرزند نیز می‌شود. (۱)

۵ خبر دادن از آنچه مردم می‌خورند و ذخیره می‌کنند.

این معجزه عیسی تنها در آیه ۴۹ سوره آل عمران آمده است در حالی که سه معجزه فوق هم در آن آیه و هم در آیه ۱۱۰ سوره مائده ذکر شده است. ****۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۵۰ و ۳۵۲. (صفحه ۳۵) «وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ» (۴۹ / آل عمران) و از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید، خبر می‌دهم.

۶ تأکید ویژه بر «بِإِذْنِ اللَّهِ» برای برخی معجزات

در آیه ۴۹ / آل عمران که به تدریج در قسمت‌های قبلی بیان شد، از چهار معجزه ذکر شده تنها برای دو معجزه «بِإِذْنِ اللَّهِ» آورده شده است، علمت این امر در تفسیر المیزان بدین ترتیب آمده است: مردم، خلق نمودن پرنده و زنده کردن مرده را کارهایی خدایی می‌دانند ولی معالجه کور مادرزاد و اطلاع از غیب را تنها مختص خداوند نمی‌دانند. لذا برای معجزاتی که فقط مخصوص خداوند است، از باذن الله استفاده شده تا موجب لغزش نگردد. (۱) (صفحه ۳۶) امّا در آیه ۱۱۰ سوره مائده برای شفای کور مادرزاد و پیس هم «بِإِذْنِي» (یعنی به اجازه خدا) آمده است که شاید برای این باشد که در این آیه خدا با مسیح سخن می‌گوید امّا در آیه ۴۹ / آل عمران مسیح با مردم سخن می‌گوید و چون در نظر مردم، خلق پرنده و زنده کردن مرده کارهایی مخصوص خداوند است، تنها برای این دو معجزه، بِإِذْنِ اللَّهِ ذکر شده است.

۷ تولد خارق‌العاده و سخن گفتن در گهواره و نزول مائده

**** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۲. (صفحه ۳۷) جدای از معجزات ذکر شده در آیه ۴۹ / آل عمران و ۱۱۰ / مائده، تولّد بدون پدر مسیح و تکلمش در گهواره نیز می‌تواند برای آن‌هایی که هم تولّد عیسی را درک کرده‌اند و هم زمان بعثت در قید و حیات بوده‌اند اعجازی از طرف خدا و دلیلی بر حقیقت گفته‌های مسیح باشد. نزول مائده نیز معجزه دیگری است که حواریون خواستار آن شدند. البته در قرآن درباره نزول قطعی مائده سخنی به میان نیامده ولی اکثر مفسرین بر طبق آیه ۱۱۴ / مائده معتقدند که نزول مائده، انجام شده است. درباره نزول مائده در همین بخش مطالبی ارائه خواهد شد.

۸ آیا بیان این معجزات تنها برای تحدی بوده است؟

(صفحه ۳۸) جواب تفسیر نمونه را در رابطه با سؤالی که بیان می‌کند «آیا معجزات نام برده شده به زبان عیسی در آیه ۴۹ / آل عمران تنها برای تحدی است و یا این که واقعا انجام شده است؟» را می‌خوانیم. بعضی از مفسران معتقدند عیسی تنها ادعای این معجزات را کرده نه آن که آن‌ها را انجام دهد. در جواب باید گفت: اولاً آیه ۱۱۰ / مائده می‌گوید که عیسی پرنده‌ای گلی ساخت و در آن دمید و به فرمان خدا زنده شد که مشخص کننده انجام شدن این معجزه است و ثانياً اگر بتوان این مورد و چند مورد دیگر اعمال خارق‌العاده را توجیه کنیم، سایر معجزات موجود در قرآن را چه کنیم؟ اگر خدا را حاکم بر قوانین طبیعت بدانیم، دیگر هر کاری از او ساخته است و می‌تواند قوانین عادی طبیعت را مستثنی کند. نکته دیگر موجود در آیه این است که عیسی و در حالت کلی پیامبران و اولیای (صفحه ۳۹) خدا، خودشان دست به معجزه می‌زنند نه آن که تنها دعا کنند یعنی ولایت تکوینی دارند. عده‌ای معتقدند که اولیای خدا تنها ولایت تشریحی دارند، یعنی سرپرستی مردم از نظر حکومت و نشر قوانین و دعوت به راه راست و برای بعضی امور تنها دعا می‌کنند نه آن که ولایت تکوینی داشته باشند. در جواب باید گفت ولایت تکوینی به معنی این است که «خدا» اجازه تصرف در جهان را به آن‌ها در مواردی خاص داده و آن‌ها استقلال از خود ندارند، لذا ولایت تکوینی نوعی شرک به حساب نمی‌آید. (۱)

۹ علت انجام معجزات خاص هر پیامبر

**** ۱ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۵۷ الی ۵۵۹. (صفحه ۴۰) «چرا موسی، به جای تبدیل کردن عصایش به اژدها، مردگان را زنده نکرد و چرا عیسی به جای شفای کور مادرزاد، کتابی مانند قرآن نیاورد؟» علامه طباطبایی به این سؤال، این گونه جواب می‌دهد: در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: موسی در زمانی مبعوث شد که اغلب مردم کارشان سحر بود. لذا معجزاتی می‌کرد که ساحران از آن عاجز بودند و اینطور حجتش را تمام می‌کرد. عیسی در زمانی مبعوث شد که امراض گوناگون زیاد شده بود و مردم به طبیب نیاز زیادی داشتند و خداوند با زنده کردن مردگان و علاج کورهای مادرزاد و مبتلایان به پستی توسط عیسی حجت را بر مردم تمام کرد. در زمان پیامبر اسلام هم سخنرانی و خطبه خوانی و شعر خواندن، رواج داشت و پیامبر در این زمینه گفتار آن‌ها را باطل کرد و حجت را بر آنان اثبات کرد. (۱) (صفحه ۴۱)

د حواریون

۱ حواریون چه کسانی بودند؟

حواریون یاران باوفای عیسی بودند که در احادیث تعدادشان ۱۲ نفر ذکر شده است. با دقت در آیاتی از قرآن که در این قسمت از کتاب ذکر خواهد شد درمی‌یابیم که آن‌ها یاوران مخلص و صمیمی خدا و عیسی هستند. کمتر پیامبری مثل مسیح را می‌توان یافت که چنین همراهان با وفایی داشته باشد. در زیر مطالبی از تفسیر نمونه و تفسیر المیزان راجع به حواریون ذکر خواهد شد. **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۵۱ و ۳۵۲. (صفحه ۴۲) یهودیان، قبل از ظهور عیسی منتظر آمدن او بودند اما هنگامی که عیسی پیامبری‌اش را اعلام کرد، به علت به خطراتدان منافعیان عده کمی از آن‌ها گرد مسیح را گرفتند که همان، حواریون بودند. حواریون جمع «حواری» از ماده «حَوَرَ» به معنی شستن و سفید کردن است و علت نامگذاری‌شان متعدد بیان شده که آنچه نزدیک‌تر به ذهن می‌رسد این است که آن‌ها علاوه بر قلب پاک و روح با صفایشان در پاکیزه ساختن افکار دیگران و شستشوی آن‌ها از گناه تلاش فراوان کردند. در انجیل متی و لوقا، باب ۶ اسامی حواریون چنین آمده است: ۱ پطرس ۲ اندریاس ۳ یعقوب ۴ یوحنا ۵ فیلوس ۶ برتولوما ۷ توما ۸ متی ۹ یعقوب ابن حلفا ۱۰ شمعون (ملقب به غیور) ۱۱ یهوذا برادر یعقوب ۱۲ یهوذای اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد. (صفحه ۴۳) طبرسی در مجمع‌البیان نقل می‌کند که حواریون و عیسی وقتی در سفر بودند و تشنه یا گرسنه می‌شدند به فرمان خدا برای آن‌ها آب و غذا آماده می‌شد. آن‌ها این جریان را افتخار بزرگی برای خود می‌دانستند. به عیسی گفتند: آیا کسی بالاتر از ما پیدا می‌شود؟ عیسی گفت: آری، فردی که زحمت بکشد و از دست‌رنج خودش بخورد. بعد از این ماجرا آن‌ها به شستشوی لباس و گرفتن اجرت در برابر آن مشغول شدند و ثابت کردند کار و کوشش، ننگ و عار نیست. (۱) «حواری» انسان، کسی است که از «مختصین» او محسوب می‌شود و بعضی معتقدند حواری از «حور» گرفته شده که به معنی شدت سفیدی است. قرآن این لفظ **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۶۶. (صفحه ۴۴) را تنها برای اصحاب خاص حضرت عیسی به کار برده است. (۱)

۲ حواریون ایمان می‌آورند

«وَ إِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۱۱۱ / مائده) و هنگامی که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده‌ام ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم و شاهد باش که ما تسلیم شدگانیم. این جماعت مخلص بعد از دریافت پیام پروردگارشان، ایمان می‌آورند و بعد از **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۷. (صفحه ۴۵) آن مسیح با پشتوانه‌ای محکم‌تر مسیر تبلیغش را می‌پیماید. در کتب تفسیر، بیان شده است در آیه ۵۲ / آل‌عمران ایمان بعد از ایمان حواریون آورده شده است. سؤالی که با خواندن این آیه در ذهن نقش می‌بندد این است که «مگر به غیر پیامبر نیز وحی می‌شود؟» علامه طباطبایی ذیل آیه ۵۲ / آل‌عمران می‌نویسد: بدلیل این که اجابت کردن دعوت عیسی توسط حواریون از روی وحی خدا بود لذا تمامشان نبی و صاحب وحی بوده‌اند. (۱) اما ایشان ذیل آیه ۱۱۱ / مائده می‌نویسد: در روایتی از حضرت ابی‌جعفر نقل شده است که فرمود: وحی در این جا به معنی **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۷ و ۳۵۸. (صفحه ۴۶) الهام است. در آیات ۷ / قصص و ۶۸ / نحل و ۵ / زلزلال نیز وحی به معنی الهام است. (۱) اما در تفسیر نمونه آمده است که: وحی در قرآن معنی وسیعی دارد و منحصر به وحی‌هایی که بر پیامبران نازل می‌شد نیست همانند وحی بر مادر موسی (۷ / قصص) که نوعی الهام بوده است و وحی بر زنبور عسل که جزء غرایز و الهامات تکوینی حیوانات است. شاید هم منظور از وحی در این آیه وحی‌هایی باشد که به واسطه عیسی علیه‌السلام و با پشتوانه معجزات برای آن‌ها فرستاده می‌شد. (۲) **** ۱ - تفسیر

المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۵۳. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۲۷ و ۱۲۸. (صفحه ۴۷)

۳ ایمان بعد از ایمان حواریون

بعد از مدّتی که عیسی تبلیغ دین خدا را نزد بنی اسرائیل آغاز کرد در آن‌ها احساس کفر مشاهده کرد و به اعتقاد عدّه‌ای بنی اسرائیل قصد اذیت و حتّی کشتن مسیح را می‌کنند. در این حال او به یاورانی نیاز دارد تا دعوتش را منتشر کنند. لذا می‌گوید: چه کسی است که مرا برای خدا یاری کند؟ (۱) در این حین تنها حواریون به درخواست مسیح، لیبک می‌گویند. البته به اعتقاد مفسّرین ایمان آوردن بار اوّل حواریون همان آیه ۱۱۱ / مائده است و در آیات ۵۲ / آل عمران و ۱۴ / صف ایمان بعد از ایمان آن‌ها صورت می‌گیرد. ***** ۱ - ۵۲ / آل عمران. (صفحه ۴۸) «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۵۲ / آل عمران) هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: کیست که یاور من باشد به سوی خدا؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم. به خدا ایمان آوردیم و گواه باش به این که ما اسلام آوردیم. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» (۱۴ / صف) ای کسانی که ایمان آوردید یاران خدا باشید همانطور که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: چه کسی مرا در راه خدا یاری می‌کند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم. (صفحه ۴۹)

۴ تأکید عیسی و حواریون بر خدایی بودن راهشان

آیه ۵۲ / آل عمران و ۱۴ / صف تصریح می‌کند که عیسی راهش خدایی است و حواریون یاوران خدایند. پس یاری شدن عیسی توسط حواریون دلیل محکم و آهین دارد و آن «مخلص» بودن در راه خداست. همین‌طور مرید بودن حواریون به دلیل اهداف والا و الهی رهبرشان است. در تفاسیر المیزان و نمونه هم بر این مسأله تأکید شده است. «أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» تأکید بر به سوی خداست و احتمال این که «إِلَى» به معنی «مَعَ» باشد منتفی است، زیرا احتمال بدون دلیل است و با ادب قرآن و ادب عیسی علیه‌السلام نمی‌خواند و گذشته از این‌ها حواریون از «انصار الله» استفاده می‌کنند نه از «انصارك مع الله». (۱) (صفحه ۵۰) حواریون در ضمن ایمان آوردن تأکید می‌کنند که ما یاوران خداییم گویا آن‌ها نیز احساس می‌کردند که در آینده منحرفین ادعای خدایی عیسی علیه‌السلام را می‌کنند. در این جا عیسی علیه‌السلام صف دوستان و دشمنانش را جدا می‌کند. (۱)

۵ رحمت و رأفت حواریون

دل‌های پیروان صدیق مسیح، مملو از مهربانی و رحمت بود و البته برای مبلغین دین، این ویژگی، الزامی است. زیرا تنها با برخورد جذاب و مهربانانه است که مردم ***** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۳۵۷. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۵۶۳. (صفحه ۵۱) جذب دین می‌شوند. کسانی که از راه خشونت می‌خواهند مردم را به زور، دیندار کنند، مسلماً خودشان از مفاهیم والای الهی بهره‌ای نبرده‌اند. این سنّتی الهی است که کسانی که به یاری خدا می‌روند و ذکر او می‌گویند و برای او از روی اخلاص کاری انجام

می دهند، خداوند در قلب های آنها، محبت و عشق را جاری می کند تا هم پاداشی به آنها داده باشد و هم در راه تبلیغ دین موفقشان گرداند. «وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (۲۷ / حدید) و از پی ایشان عیسی پسر مریم را آوردیم و به او انجیل دادیم و در دل کسانی که از او پیروی می کردند مهربانی و رحمت قرار دادیم. علامه طباطبایی ذیل این آیه می گوید: واژه رأفت مترادف رحمت است اما (صفحه ۵۲) بعضی گفته اند: رأفت در مورد دفع شر و رحمت در مورد جلب خیر استعمال می شود ولی نظر بانو امین در مخزن العرفان این است که: شفقت در امت عیسی همانند امت پیامبر بود. البته این شفقت هنوز به زبان آنها نیز جاری است اما در عمل میلیون، میلیون و میلیارد، میلیارد انسان را با اختراعات خود در موقع جنگ هلاک می کند. (۱) **** ۱ - مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج ۳، ص ۱۶۶. (صفحه ۵۳)

ه مائده آسمانی

۱ درخواست حواریون

«إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (۱۱۲ / مائده) هنگامی که حواریون گفتند: ای عیسی پسر مریم! آیا پروردگارت می تواند بر ما سفره ای از آسمان نازل کند؟ مائده در لغت به معنی خوان و سفره و همین طور به معنی غذایی که در سفره قرار می دهند، است. با خواندن این آیه سؤالی به ذهن خواننده خطور می کند که «حواریون با آن مقامی که داشتند و نزدیکی ای که به عیسی داشتند چطور می گویند خدا «می تواند» مائده ای از آسمان نازل کند. مگر آنها به «قدرت لایتناهی» (صفحه ۵۴) خداوند آگاه نبودند؟ مگر معجزات زیادی از مسیح ندیده بودند؟ پس این چه سخنی است که آنها می گویند؟» جواب تفسیر المیزان و تفسیر نمونه را به این سؤال در زیر می خوانیم: جواب های متعددی به این سؤال داده شده است که بهترین آنها این است که منظور حواریون از توانستن، صلاح دیدن انجام آن کار است و نه قادر بودن به انجام آن مثلاً. اگر گفته شود «آیا می توانی با من بیایی؟» منظور از می توانی این است که صلاح می دانی. جواب های دیگری هم به این سؤال داده شده است که تمام آنها قابل رد شدن هستند اما به خاطر اثبات نشدن معصومیت حواریون لزومی بر دفاع از زشت نبودن سخنانشان وجود ندارد. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۶۹، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۷۰. (صفحه ۵۵) درباره «هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ» مفسران اسلامی نظراتی داشته اند که بهترین آنها این است که حواریون در آغاز کار بودند و تمامی صفات خدا را نمی شناختند همین طور منظور از یستطیع، صلاح دانستن است و نه قادر بودن. مثل این که شخصی بگوید: «من نمی توانم تمام ثروتم را به دست فلان کس دهم» و سوم این که یَسْتَطِيعُ به معنی «یستجیب» است یعنی پروردگار تو از ما می پذیرد که مائده آسمانی بر ما نازل کند. (۱) «قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۱۲ / مائده) (عیسی) گفت: از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید. در ادامه آیه گویی عیسی از این تقاضای حواریون تعجب می کند و شاید هم از **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۳۰. (صفحه ۵۶) لحن صحبتشان ناراحت می شود لذا به آنها می گوید از خدا بپرهیزید و به قول علامه طباطبایی می خواهد این گونه، آنها را تویخ کند. در آیه بعدی، حواریون اهداف خود را از این تقاضا بیان می کنند.

۲ اهداف حواریون از نزول مائده

«قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صِدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ» (۱۱۳ / مائده) (حواریون) گفتند: می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان مطمئن گردد و بدانیم که تو به ما راست گفته‌ای و بر آن گواه باشیم. حواریون با جملاتی که گفتند می‌خواستند نیت خیرشان را از درخواستشان بیان (صفحه ۵۷) کنند. در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه اهداف حواریون از نزول مائده اینطور ذکر شده است: با این آیه مشخص می‌شود که حواریون از سخن قبلی‌شان معذرت خواستند و چهار هدف آن‌ها از درخواستشان مشخص می‌شود که عبارتست از: ۱ خوردن مائده. منظور آن‌ها صرف خوردن بوده است. بعضی گفته‌اند آن‌ها می‌خواستند متبرک شوند و یا اظهار گرسنگی زیاد و احتیاج شدید به غذا داشتند که این‌ها با کلمه «اکل» جور در نمی‌آید و اگر منظورشان این بود صریحاً معذرت خواهی می‌کردند. ۲ اطمینان قلب. ۳ مطمئن شدن از راستگویی عیسی علیه‌السلام. اگر مراد آن‌ها از این خواسته مطمئن شدن برای استجاب دعاست که بسیار استجاب دعا را دیده‌اند و اگر مرادشان دیدن ثمره ایمانشان است پس خودشان باید دعا می‌کردند و نه مسیح علیه‌السلام. (صفحه ۵۸) ۴ شهادت دادن. مثلاً در مقابل فردی که منکر معجزات عیسی علیه‌السلام است شهادت دهند و یا در روز قیامت و یا این که تنها نزد خدا شهادت دهند. (۱) حواریون به اطلاع عیسی رساندند که هدفشان لجاجت نیست بلکه آرامش قلبی و خوردن از آن و رسیدن به یقین و اثبات راستگویی عیسی و شاهد بودن بر آن است. (۲) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۷۰ الی ۳۷۲. ۲ - تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۲۸. (صفحه ۵۹)

۳ دعای زیبای مسیح

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوْلَانَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (۱۱۴ / مائده) عیسی پسر مریم گفت: خدایا، پروردگار ما! بر ما مائده‌ای از آسمان نازل کن، عیدی باشد برای ما برای اول ما و آخر ما و نشانه‌ای از تو باشد و ما را روزی ده و تو بهترین روزی دهندگان هستی. مسیح، خواسته حواریون را با جملاتی زیبا و بسیار مؤدبانه به خداوند می‌گوید که این حاکی از نهایت ادب و تواضع یک بنده در مقابل پروردگار خویش است. بیان اهداف عیسی با بیان اهداف حواریون از نزول مائده متفاوت است. با کمی دقت درمی‌یابیم که عیسی خوردن از مائده را در انتهای اهدافش بیان می‌کند در حالی که (صفحه ۶۰) حواریون آن را در ابتدا بیان کرده‌اند و همین‌طور او هدف اصلی را عید قرار دادن نزول مائده می‌داند که هدفی بسیار والاتر از خوردن مائده است. در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: عیسی علیه‌السلام وقتی پافشاری حواریون را مشاهده می‌کند دست بر دعا برمی‌دارد. البته یک پیغمبر، وقتی دعا می‌کند که بداند و امیدوار باشد که خدا دعایش را مستجاب می‌کند و پروردگار نیز در خواهشی که پیغمبرش کرده او را ناامید نمی‌کند. مسیح علیه‌السلام با «اللَّهُمَّ رَبَّنَا» دعایش را آغاز می‌کند که در تقاضاهای انبیاء که در قرآن حکایت شده منحصر به فرد است. همچنین عیسی علیه‌السلام به مائده عنوانی می‌دهد (عید بودن آن) که صلاحیت داشته باشد هدف او و اصحابش قرار گیرد که البته این کار را حواریون انجام ندادند. پس عیسی غرض اصلی از درخواست مائده را عید بودن آن (صفحه ۶۱) مطرح می‌کند که در قومشان همواره این روز را به خاطر داشته باشند و بعد از گفتن غرض اصلی می‌گوید «و نشانه‌ای از تو باشد» در این جا باید دقت کنیم که نزول مائده برای نشانه بودن خدا به عنوان هدف اصلی عیسی ذکر نشده است زیرا عیسی آنقدر معجزه برای حواریون آورده بود که دیگر نیازی به مائده نبود. در انتها عیسی فایده دیگر نزول مائده که رزق بودن آن است را ذکر می‌کند در حالی که حواریون این فایده را در ابتدای سخنشان (نَأْكُلُ مِنْهَا) ذکر کرده بودند. نتیجه‌گیری از

این آیه و آیه قبلی این است که عیسی با این که همان خواسته حواریون را بیان می‌کند، اما با عوض کردن بعضی جملات و تغییر جای جملاتی دیگر، کلام خود را لایق گفته شدن به پروردگار می‌کند که این نهایت ادب او در مقابل خدا را می‌رساند. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۶۲، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴. (صفحه ۶۲) هنگامی که عیسی از حسن نیت حواریون مطلع می‌شود، خواسته آن‌ها را به پروردگار می‌گوید. البته عیسی تقاضای آن‌ها را به طرز شایسته‌تری به خدا می‌گوید که حاکی از روح حق‌طلبی و ملاحظه مصالح عمومی اوست. «عید» در لغت از «عود» به معنی بازگشت است و لذا به روزهایی اطلاق می‌شود که مشکلات از قومی برداشته می‌شود و به پیروزی‌ها برمی‌گردند. از آن جا که روز نزول مائده روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است مسیح علیه‌السلام آن را عید نامید و بنابر روایات آن روز، یکشنبه بوده است که شاید یکی از علل احترام مسیحیان به این روز از اینجا نشأت گرفته باشد. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱. (صفحه ۶۳)

۴ وعده به مجازاتی بی‌نظیر

«قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (۱۱۵ / مائده) خداوند گفت: همانا من آن را بر شما نازل می‌کنم تا هر کس بعد از آن از شما کفر بورزد، پس همانا من او را عذابی می‌کنم که هیچ کس از جهانیان را اینطور عذاب نکنم. خداوند درخواست عیسی را می‌پذیرد اما چون با دیدن این معجزه مسئولیت حواریون بسیار بیشتر می‌شود تذکر می‌دهد که اگر بعد از آن کسی کفر ورزید عذابش (صفحه ۶۴) هم بسیار بیشتر خواهد شد. نظر علامه طباطبایی و نویسندگان تفسیر نمونه را راجع به تهدید خداوند به عذابی بسیار سخت می‌خوانیم. با مطالعه این آیه سؤالی در ذهن ایجاد می‌شود که «چرا خداوند حواریون را به عذابی سخت تهدید می‌کند؟» جواب‌های گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: ۱ سؤال حواریون خارج از ادب بود. اما قوم‌های گذشته نیز بسیار بی‌ادبانه‌تر برخورد می‌کردند و به خداوند اهانت می‌کردند و حتی پیامبر خود را به استهزاء می‌گرفتند پس این جواب، قانع کننده نیست. ۲ قبل از این سؤال، حواریون ایمان آورده بودند. اما در امت‌های گذشته کسانی بوده‌اند که حتی به مقام قرب پروردگار رسیده بودند و سپس مرتد شده بودند. پس این جواب نیز قانع کننده نیست. ۳ یکی از انواع معجزات این است که قومی برای هوسبازی از پیامبرش معجزه بخواهد و نه (صفحه ۶۵) به خاطر استفاده از معجزه مثل این که بنی اسرائیل از موسی خواستند که خدا را به آن‌ها نشان دهد. این خواسته حواریون نیز در این نوع از معجزات است، زیرا آن‌ها معجزات بسیاری از مسیح علیه‌السلام مشاهده کرده بودند. (۱) علت مجازات شدید برای حواریون این بود که چون آن‌ها می‌خواستند مائده آسمانی و معجزه خداوند را علنا مشاهده کنند مسئولیتشان نیز بسیار بیشتر می‌شد همانند مسئولیت انبیاء و اولیای خدا. (۲) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۵۷ و ۳۵۸. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۳۱، ۱۳۲. (صفحه ۶۶)

۵ آیا مائده آسمانی نازل شد؟

در تفسیر نمونه آمده است: بعضی از مفسرین با این که آیات فوق بر نزول مائده تصریح دارد گفته‌اند که حواریون وقتی شدت مسئولیت را احساس کردند از تقاضایشان منصرف شدند. (۱) اما تفسیر المیزان سؤال را کامل‌تر مطرح می‌کند و جواب

آن را نیز می‌دهد. عده‌ای از مفسرین از جمله «مجاهد» و «حسن» معتقدند که وقتی حواریون فهمیدند که هر کس بعد از این معجزه کفر ورزد خدا او را عذابی می‌کند که هیچ‌کس را نکرده، حرف خود را پس گرفتند و مائده نازل نشد. در بیان علت این نظرشان **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۳۰ و ۱۳۱. (صفحه ۶۷) می‌گویند اگر مائده نازل می‌شد، در کتب فعلی آن‌ها یافت می‌شد زیرا آن‌ها شعائر دینشان را حفظ می‌کنند. در جواب باید گفت اگر کسی تاریخ شیوع نصرانیت و ظهور اناجیل را بداند این نظر را نمی‌دهد، زیرا کتاب‌های فعلی آن‌ها به طور تواتر به زمان مسیح علیه‌السلام مستند نیست و نصرانیت فعلی به زمان عیسی متصل نمی‌شود. (۱)

۶ آیا ماجرای نزول مائده در انجیل آمده است؟

درباره نزول مائده آسمانی در اناجیل مطلبی نیامده تنها اطعام اعجاز‌آمیز مسیح از جمعی از مردم با نان و ماهی ذکر شده است که ارتباطی با مائده آسمانی ندارد و در **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۵۴، ۳۵۵. (صفحه ۶۸) کتاب اعمال رسولان که از کتب عهد جدید است درباره نزول مائده بر یکی از حواریون به نام «پطرس» بحثی شده که آن هم به مطلب این آیه ارتباطی ندارد. (۱) اکنون داستان نان و ماهی انجیل را نقل می‌کنیم تا خواننده خود تشخیص دهد که همان داستان نزول مائده قرآن است یا با آن، تفاوت دارد؟ پس از این رویداد، عیسی به آن سوی دریاچه جلیل رفت (دریای جلیل به دریای طبریہ نیز معروف است) و سیل جمعیت به طرف او سرازیر شد! بیشتر ایشان زائران خانه خدا بودند که به شهر اورشلیم می‌رفتند تا در مراسم عید «مسیح» شرکت کنند. هر جا که عیسی می‌رفت، ایشان نیز به دنبال او می‌رفتند تا ببینند چطور بیماران را شفا **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۱۳۲. (صفحه ۶۹) می‌بخشد. در آن حال، عیسی از تپه‌ای بالا رفت و شاگردانش دور او نشستند، آن‌گاه مردم را دید که دسته دسته به دنبال او از تپه بالا می‌آیند. عیسی رو به فیلیپ کرد و پرسید: «فیلیپ، ما از کجا می‌توانیم نان بخریم و این مردم را سیر کنیم؟» عیسی این سؤال را از او کرد تا ببیند عقیده او چیست، چون عیسی خود می‌دانست چه کند. فیلیپ جواب داد: خوارها نان لازم است تا بتوانیم این جمعیت را سیر کنیم». «اندریاس» برادر شمعون پطرس، گفت: «پسر بچه‌ای اینجاست که پنج نان جو و دو ماهی دارد ولی این به چه درد این جمعیت می‌خورد؟» عیسی فرمود: «بگویید همه بنشینند». پس تمام جمعیت روی سبزه‌ها نشستند. فقط مردها در آن جمعیت، پنج هزار تن بودند. آن‌گاه عیسی نان‌ها را گرفت، خدا را شکر کرد و داد تا بین مردم تقسیم کند. با ماهی‌ها نیز چنین کرد. مردم آنقدر خوردند تا سیر شدند. سپس عیسی به (صفحه ۷۰) شاگردان فرمود: «تکه‌های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود». از همان پس مانده‌ها دوازده سبد پر شد. وقتی مردم این معجزه بزرگ را دیدند گفتند: «حتماً این همان پیغمبری است که ما چشم به راهش بوده‌ایم». وقتی عیسی دید که مردم می‌خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند، از ایشان جدا شده و تنها بالای کوهی رفت. (۱)

و سر نوشت عیسی

۱ مسیح به صلیب کشیده نشد و کشته نشد

مسیحیان معتقدند که عیسی به صلیب کشیده شده است و کشته شده است و بعد از **** ۱ - ترجمه تفسیری انجیل یوحنا، باب ششم. (صفحه ۷۱) چند روز از قبر بیرون می‌آید و بعد از مدّت کمی مکث در زمین به آسمان می‌رود. اما قرآن این

اعتقاد نصاری را رد می کند و صریحاً می گوید مسیح کشته نشده است و به صلیب کشیده نشده است. «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» (نساء / ۱۵۷) و گفته شان (این بود که): همانا ما مسیح عیسی پسر مریم پیامبر خدا را کشتیم و او را نکشتند و او را به صلیب نکشیدند، بلکه برایشان مشتبه شده بود و همانا کسانی که درباره او اختلاف کردند در شکی از او هستند. به آن علمی ندارند. مگر پیروی از گمان و قطعاً او را نکشتند. (صفحه ۷۲) آیه فوق، اعتقاد نصاری را به شدت اشتباه می خواند تا جایی که در آخر آیه یکبار دیگر می گوید «قطعاً او را نکشتند». نظر علامه طباطبایی را ذیل این آیه مهم می خوانیم. این آیه مشخص می کند که عیسی به دست آن ها کشته نشده است، بلکه فردی شبیه به او را کشتند و یا به دار زدند. یکی از محققین معتقد است دو مسیح وجود داشته یکی همان عیسی بن مریم که کشته نشده و دیگری مسیح نامی است که بر باطل بوده و او را به دار زده اند که اگر این نظریه صحیح باشد تشبیه ذکر شده در این آیه مربوط به این دو نفر است. در قسمت بعدی آیه می گوید کسانی که درباره عیسی یا در قتل عیسی اختلاف کردند نسبت به جریان او جاهل اند و در این باره یکی از دهان دیگری شنیده و صحیح پنداشته است. درباره «ما قَتَلُوهُ يَقِينًا» بعضی گفته اند ضمیر «ه» به (صفحه ۷۳) علم بر می گردد و بعضی گفته اند به ظن بر می گردد که هر دو این ها بعید به نظر می رسد. (۱) اما در تفسیر نمونه آمده است: تعبیر به «رَسُولَ اللَّهِ» از طرف یهودیان شاید از روی استهزاء باشد و همچنین اختلاف بین آن ها می تواند راجع به موقعیت عیسی باشد که عده ای معتقد بودند او فرزند خداست و عده ای او را پیامبر نمی دانستند و شاید اختلاف در بین آن ها راجع به کشته شدن یا کشته نشدن عیسی علیه السلام باشد و یا به علت عدم آشنایی با او در شک بودند که آن کس را که کشتند خود مسیح بوده یا فرد دیگری. مسیحیان کنونی معتقدند عیسی به صلیب کشیده شده و همچنین آوردن او به این دنیا نه برای هدایت و تربیت ***** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۵، ص ۲۰۸ الی ۲۱۰. (صفحه ۷۴) خلق بود بلکه برای فدا شدن و باز خرید گناهان بشر بوده است. دلایل زیر مصلوب شدن عیسی را تضعیف می کنند. الف) اناجیل چهارگانه سال ها بعد از مسیح و به وسیله شاگردان و یا شاگردان شاگردان او نوشته شده اند. ب) سربازانی که به باغ «جستیمانی» رفته بودند تا عیسی را دستگیر کنند در اردوگاه ایشان بودند و نه یهودیان و نه شاگردان عیسی را نمی شناختند. ج) شبانه بودن حمله طبق نظر اناجیل فرار عیسی را دور از ذهن نشان نمی دهد. د) طبق اناجیل شخص دستگیر شده مقابل «پلاطس» (حاکم رومی در بیت المقدس) سکوت کرده و از خود دفاع نکرده که این کار از عیسی بعید است اما از «یهودای اسخریوطی» که به جای عیسی دستگیر شده بود بعید نیست. ه) یاران عیسی گرد او نبودند پس احتمال اشتباه گرفتن عیسی با دیگری وجود داشته است. و) شخص محکوم طبق گفته اناجیل پای چوبه دار (صفحه ۷۵) می گوید: «الهی الهی مرا چرا ترک کردی؟» (ز) انجیل برنابا و بعضی اناجیل نفی کننده مصلوب شدن عیسی هستند و بعضی محققان معتقد به دو عیسی هستند که یکی مصلوب شده و دیگری مصلوب نشده است که ۵۰۰ سال بین آن ها اختلاف زمانی است. (۱)

۲ عیسی نزد خدا می رود

اگر عیسی به صلیب کشیده نشده و کشته نشده است پس چه سرنوشتی داشته است؟ قرآن کریم در دو آیه به این سؤال پاسخ می دهد. بعضی از مفسرین معتقدند ***** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴، ص ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲ و ۲۰۳. (صفحه ۷۶) آیه ۴۶ / آل عمران نیز سرنوشت مسیح را مشخص می کند. «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء / ۱۵۸) بلکه خداوند او را به سمت خودش بالا برد و خداوند توانا و حکیم است. علامه طباطبایی

راجع به کیفیت بالا آوردن مسیح معتقد است: برحسب سیاق این آیه می توان گفت جسم و روح با هم بالا رفته اند نه آن که اول مرده سپس خدا روحش را به سوی خود بالا برده است، اما در این صورت چنین بالا آوردنی هم با قتل می سازد و هم با مرگ طبیعی پس این بالا آمدن یک نوع نجات بخشی بوده که خدا بدان وسیله عیسی را از دست آنان نجات داده است. با توجه به معجزات مختلفی که در قرآن آمده است، حفظ حیات عیسی علیه السلام به طوری که عادی نباشد توسط خدا دور از ذهن نیست. (۱) (صفحه ۷۷) «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ هَذَا الصَّلَافَ فِي يَمِينِكَ وَارْتَقِ الْوُجُوهَ بِحَدِّهَا وَلَا يَكْفُرُ بِكَ الْكُفُورُ أَكْثَرُ عِلْمًا» (آل عمران). هنگامی که خدا گفت: ای عیسی من تو را اخذ نموده، به قرب خود بالا برم و تو را از معاشرت کافران پاک کنم. کلمه «مُتَوَفِّيكَ» در این آیه می تواند سؤال برانگیز باشد چرا که شاید به یاد کلمه «فوت» بیفتیم که معمولاً به معنی «مردن» استفاده می شود. در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه جواب این سؤال آمده است. در قرآن، کلمه «تَوَفَّى» فقط به معنی مردن نیست که بعضی از آیات قرآن این **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج ۵، ص ۲۱۰ و ۲۱۱. (صفحه ۷۸) موضوع را تأیید می کند. (۱) «فَوْتُ» به معنی از دست رفتن است اما «تَوَفَّى» از ماده «وفی» به معنی «تکمیل کردن چیزی» است پس طبق این آیه لزوماً عیسی علیه السلام نمرده است. (۲) همچنین در تفسیر نمونه مراد از «مُطَهَّرُكَ» چنین آمده است: در این آیه پاکیزه کردن عیسی به او بشارت داده شده که منظور از آن یا نجات از افراد پلید است و یا نجات از تهمت های ناروا و توطئه های ناجوانمردانه و یا به معنی بیرون بردن مسیح علیه السلام از آن محیط آلوده است. (۳) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج ۳، ص ۳۶۱ و ۳۶۲. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۶۹. (صفحه ۷۹) آیات فوق (۱۵۸ نساء و ۵۵ آل عمران) مشخص می کنند که سرنوشت مسیح این بوده است که به سمت خدا بالا رفته است اما بعضی مفسرین معتقدند آیه ۴۶ / آل عمران و ۱۱۰ / مائده نیز چون از سخن گفتن عیسی در سن کهولت پرده برمی دارد، پس مشخص می کند که عیسی بعد از رفتن نزد خدا به زمین بازمی گردد و تکلم می کند. «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» (۴۶ / آل عمران) و با مردم در گهواره و در سن کهولت صحبت می کند و از شایستگان است. در قسمت «تکلم در گهواره» بیان کردیم که مراد از «وَكَهْلًا» این است که مسیح همانطور در گهواره سخن می گفت که در سن کهولت سخن می گوید. بعضی از **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۷۰. (صفحه ۸۰) مفسرین بر این عقیده اند که معنی «وَكَهْلًا» می تواند تصدیقی باشد بر این که بعد از این که او به نزد خدا رفت، در زمان ظهور حضرت مهدی بر زمین برمی گردد و ایشان را تصدیق می کند. در تفسیر نمونه آمده است: به علاوه می تواند تأییدی باشد بر رفتن او به آسمان و بازگشت او به میان مردم در زمان ظهور امام زمان. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۵۰. (صفحه ۸۱)

فصل ۲ صفات و وظایف عیسی

الف صفات عیسی

۱ - وجه

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (۴۵ / آل عمران) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه ای از جانب خودش بشارت می دهد که نامش مسیح عیسی پسر مریم است. صاحب شخصیت و دارای مقام در دنیا و آخرت است. از همان ابتدا که ملائکه وعده پسری را به مریم

می دهند به مقام و منزلت وی در دنیا و آخرت نیز اشاره می کنند. وجاهت عیسی در این دنیا که واضح و مشخص است (صفحه ۸۲) زیرا در بین مسیحیان و حتی مسلمانان محترم و والامقام است. در جهان کنونی که مسیحیت بیشترین طرفدار را دارد و بعد از آن اسلام در جای دوم قرار دارد، طبیعتاً میلیاردها نفر به مسیح احترام می گذارند. البته همه این ارادت‌ها به مسیح علیه‌السلام از روی شناخت صحیح و آگاهی هم نیست. در هر حال مقام و منزلت عیسی در دنیای امروزه بر کسی پوشیده نیست اما مقام او در آن دنیا از مطالبی است که ما هم‌اکنون به آن علم کافی نداریم و از این آیه تنها درمی‌یابیم که عیسی در آن دنیا هم دارای شخصیت و مقام است.

۲ مقرب

« وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ » (۴۵ / آل عمران) و از نزدیکان است. در همان وقتی که ملائکه وجاهت عیسی را به مریم بشارت می دهند، نزدیکی او (صفحه ۸۳) به خداوند را نیز به مریم خبر می دهند. کمتر چیزی به اندازه این که مریم بداند فرزندش نیز همانند خودش از نزدیکان خداست او را شادمان می کند. زیرا او از عابدان و نزدیکان خدا بود و سال‌های سال با خدای خود مشغول راز و نیاز بوده است پس طبیعتاً خواستار آن است که پسرش نیز همانند خود از مؤمنان و مقربان الهی باشد. در تفسیر المیزان پیرامون معنی «مقربون» مطلبی ذکر شده است. «مقربون» در آیه ۱۱ / واقعه به معنی کسانی است که در سلوک الی الله بر بقیه پیشی گرفته‌اند که عیسی نیز حتماً چنین است. (۱) ****۱ - تفسیر المیزان، استاد علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۴. (صفحه ۸۴)

۳ صالح

« وَ مِنَ الصَّالِحِينَ » (۴۶ / آل عمران) و از شایستگان است. در آیه بعدی ملائکه وعده صحبت کردن عیسی در گهواره و سن کهولت را می دهند که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت اما ادامه این آیه می گوید: «و او از صالحین است». طبیعتاً کسانی که در دنیا و آخرت وجاهت دارند و مقرب در گاه الهی هستند، جزء صالحان و شایستگان نیز قرار می گیرند. با دقت در اطرافیان خود متوجه می شویم کسانی که ایمان واقعی به خداوند متعال دارند و همواره او را ناظر اعمال خویش می دانند، اعمال شایسته و نیکو، کار همیشگی شان است. به مستمندان کمک می کنند، به عیادت بیماران می روند، یاور مظلومان هستند و خیر تمامی مردم را (صفحه ۸۵) می خواهند. انجام این نوع اعمال نیکو و مردم پسند توسط مؤمنین باعث مشخص شدن تطابق «معارف دینی» با «فطرت انسان» است زیرا هم در دستورات دینی به انجام این کارها توصیه شده و نیز هر فطرت پاکی با انجام شدن این اعمال، شادمان می شود.

۴ رسول

پیامبران الهی یا «نبی» هستند و یا «رسول». تفسیر المیزان درباره تفاوت نبی و رسول ذیل آیه ۴۹ / آل عمران چنین آورده است: «نبی» برای بیان دین مبعوث شده امّا «رسول» پیام خاصی دارد که ردّ آن موجب هلاکت می شود و پذیرفتن آن باعث بقا و سعادت. نوح، هود، صالح، شعیب (صفحه ۸۶) و ... رسول بوده‌اند. در این آیه هم عیسی به عنوان رسول معرفی شده است. (۱) در آیه ۳۰ مریم وقتی که عیسی در گهواره سخن می گوید خود را «نبی» معرفی می کند. «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتِنِي الْكِتَابَ وَ

جَعَلَنِي نَبِيًّا» (۳۰ / مریم) گفت: همانا من بنده خدا هستم. (خدا) به من کتاب داده است و مرا پیامبری قرار داده است. در آیه دیگری از قرآن، از مسیح به عنوان «رسول» نام برده شده است. «وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۰. (صفحه ۸۷) (۴۹ / آل عمران) و فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل (می‌گوید): همانا من نشانه‌ای از پروردگارتان برایتان آورده‌ام. اما درباره این که مأموریت عیسی تنها شامل بنی اسرائیل می‌شده است و یا این که او برای تمامی مردم جهان مبعوث شده است تفسیر المیزان و تفسیر نمونه چنین نوشته‌اند: از ظاهر آیه ۴۹ / آل عمران برمی‌آید که عیسی فقط برای «بنی اسرائیل» مبعوث شده ولی با توجه به آیه ۲۱۳ / بقره روشن شد که عیسی، همانند موسی، جزء پیامبران اولوالعزم است و برای «تمام مردم جهان» مبعوث شده است. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۹. (صفحه ۸۸) «اولوالعزم» بودن پیغمبر با «جهانی» بودن مأموریت او ارتباطی ندارد. لذا عده‌ای معتقدند که عیسی دین جهانی نیاورده بلکه آئینش تنها به «بنی اسرائیل» مربوط می‌شده است. بعضی از مفسرین نیز معتقدند که دعوت عیسی جهانی بوده و نه محصور به بنی اسرائیل. (۱) در آیه ۱۷۱ نساء، مسیح به عنوان رسول معرفی شده است. «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ» (۱۷۱ / نساء) جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خداست. در آیه دیگر از زبان عیسی می‌خوانیم: **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۵۴ و ۵۵۵. (صفحه ۸۹) «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ» (۶ / صف) همانا من فرستاده خدا هستم به سوی شما

ادب

آیات ۱۱۴ و ۱۱۶ سوره مائده، ادب عیسی را در مقابل خداوند متعال به روشنی مشخص می‌کند. او می‌داند که در برابر خداوند، بنده‌ای بیش نیست و در برابر او ناتوان و ضعیف است، لذا با ادب و نزاکت بسیار زیادی با خداوند سخن می‌گوید، با رجوع به بخش اول کتاب، در جایی که دعای زیبای عیسی مورد بررسی قرار می‌گیرد درباره مؤدب بودن او در مقابل پروردگارش نیز مطالبی ذکر شده است. همچنین در بخش سوم کتاب در قسمتی که مکالمه در روز قیامت مورد بحث واقع (صفحه ۹۰) شده نیز در رابطه با تواضع عیسی در مقابل خداوند مطالبی ارائه شده است.

۶ وسیله علم به قیامت

«وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِلشَّاعِيَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا» (۶۱ / زخرف) و همانا او علم آور نسبت به قیامت است، پس زنه‌ار که در امر قیامت شک مکنی. در تفاسیر المیزان و مخزن العرفان ذیل آیه فوق آمده است: ضمیر در «أَنَّهُ» به عیسی برمی‌گردد. عیسی وسیله علم به قیامت است زیرا خودش بدون پدر خلق شده و مرده را زنده می‌کند، پس برای خدا کاری ندارد که موجودات مرده را زنده کند. بعضی گفته‌اند مراد این است که او قبل از قیامت به زمین نازل می‌شود و مردم از آمدنش متوجه نزدیکی قیامت می‌شوند و بعضی گفته‌اند (صفحه ۹۱) ضمیر «أَنَّهُ» به قرآن برمی‌گردد که مراد از علم به قیامت این است که بعد از آن دیگر کتابی نازل نمی‌شود. البته این دو نظریه آخر نتیجه‌گیری را به طور مناسب توجیه نمی‌کند (منظور از نتیجه‌گیری «فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا» است). (۱) ممکن است مرجع ضمیر «أَنَّهُ» عیسی باشد که به نزول عیسی از آسمان، نزدیک شدن ساعت قیامت دانسته می‌شود و شاید مرجع آن قرآن باشد که یعنی به آیات قرآن وقوع قیامت دانسته می‌شود پس در قیامت شک نکنید و تابع قرآن باشید

که پیش رو و رهنمای شماس است. (۲) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۸، ص ۱۸۷. (صفحه ۹۲) پس «خلق شدن» عیسی و «معجزات» او نشانه‌هایی از «قیامت» است.

ب الطاف خداوند بر عیسی

۱ تأیید شده به روح القدس

در آیاتی از قرآن مشاهده می‌شود که خداوند، مسیح را با «روح القدس» تأیید می‌کند. «وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (۸۷ / بقره) و با روح القدس او را یاری کردیم. **** ۱ - مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، ج ۱۲، ص ۳۸. (صفحه ۹۳) «وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (۲۵۳ / بقره) و به عیسی پسر مریم نشانه‌های روشن دادیم و با روح القدس او را یاری کردیم. اما «روح القدس چیست؟» در تفسیر نمونه مطالبی ذکر شده است درباره تفسیرهای مختلفی که از روح القدس شده است. مفسران بزرگ «روح القدس» را تفسیرهای گوناگونی کردند. ابتدا این که روح القدس همان «جبریل» است که دلیل آن آیه ۱۰۲ / نحل است که می‌گوید «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ...» که چون راجع به نازل کردن است جبرئیل مورد نظر است و از طرفی جبرئیل فرشته است و اطلاق روح به فرشتگان صحیح است و القدس به معنای قداست زیاد این فرشته است. تفسیر دوم این است که روح القدس «نیروی غیبی» است که به وسیله آن عیسی، مردگان را زنده می‌کرد که (صفحه ۹۴) این نیرو به طور محدودتری در تمامی انسان‌ها موجود است. تفسیر سوم که ضعیف‌تر به نظر می‌رسد این است که منظور از روح القدس «انجیل» است. در میان مسیحیت روح القدس به دو معنا تعبیر شده است. اول این که یکی از خدایان سه‌گانه است و دیگر همان نیروی غیبی که در فوق ذکر شد. (۱) در آیه ۱۱۰ / مائده نیز تأیید به روح القدس ذکر شده است. «إِذْ أَيْدَتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا» (۱۱۰ / مائده) هنگامی که تو را با روح القدس تأیید کردم، با مردم در گهواره و سن کهولت سخن می‌گفتی. **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص ۳۳۸ الی ۳۴۰. (صفحه ۹۵) اما علامه طباطبایی معتقد است که در این آیه: تأیید به روح القدس همان سخن گفتن در گهواره است، زیرا این دو قسمت موجود در آیه با «واو» به هم متصل نشده‌اند. همچنین اگر مراد از تأیید به روح القدس مسأله وحی و وساطت ملائکه است که برای تمامی انبیاء چنین بوده است پس منظور سخن گفتن در گهواره است. (۱)

۲ دارنده بیّنات

«وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ» (۸۷ / بقره) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۴۹. (صفحه ۹۶) و به عیسی پسر مریم نشانه‌هایی دادیم. «وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ» (۲۵۳ / بقره) و به عیسی پسر مریم نشانه‌هایی دادیم. همانطور که در بخش اول نیز ذکر شد بیّناتی که به عیسی داده شد با سایر پیامبران تفاوت داشت زیرا به «زندگی» و «روح بخشیدن» مربوط می‌شد. در آیه ۶۳ زخرف نیز داده شدن بیّنات به عیسی ذکر شده است. «وَ لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ» (۶۳ / زخرف) و هنگامی که عیسی با نشانه‌های آشکار آمد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نوشته است که مراد از بیّنات در این آیه، معجزاتی است که خدا به مسیح علیه‌السلام عطا نموده است. (۱) (صفحه ۹۷)

۳ تعلیم داده شده به کتاب و تورات و انجیل

یکی دیگر از الطاف خداوند بر مسیح، تعلیم دادن کتاب و حکمت و تورات و انجیل است. در آیه ۴۸ / آل عمران نیز خداوند به مریم بشارت می‌دهد که پسرش شامل این لطف الهی می‌شود. «وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (۴۸ / آل عمران) و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. در این آیه، تورات و انجیل، دو مصداق کتاب و حکمت هستند. رهبران جامعه **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۸، ص ۱۸۸. (صفحه ۹۸) ابتدا دانش کافی و قوانین سازنده‌ای با خود می‌آورند و سپس دلایلی می‌آورند که با خدا در ارتباط هستند. در این آیه نیز قسمت اول یعنی کتاب و حکمت ذکر شده است. (۱) در تفسیر المیزان نیز آمده است که: منظور از تورات، همان است که در الواح بر موسی علیه‌السلام نازل شد نه آن که هم اینک نزد یهودیان است و مراد از انجیل نیز کتاب واحدی است که بر عیسی نازل شده و وحی مختص به او بوده است، پس با انجیل اربعه تفاوت دارد. (۲) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۵۵۴. ۲ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۸. (صفحه ۹۹) «وَ إِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (۱۱۰ / مائده) و (به یادآور) هنگامی که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل را آموختم. در تفسیر المیزان ذیل آیه فوق مطالبی عنوان شده است. «اذ» برای کتاب و حکمت و تورات و انجیل تنها یک بار آمده است که می‌تواند به معنی این باشد که این علوم یکباره و بدون تدریج به عیسی علیه‌السلام القاء شده است. (۱) درباره این که «معلمین کتاب و حکمت» چه کسانی هستند؟، در کتاب «عیسی در قرآن» آمده است: معلم نخست کتاب و حکمت، خداست. آن‌گاه پیامبران خدا که **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۴۹ و ۳۵۰. (صفحه ۱۰۰) کتاب و حکمت از او آموخته‌اند، نخستین معلم انسان‌ها و صد البته که پیامبر گرامی اسلام، مبرزترین و کامل‌ترین مصداق تعلم و تعلیم کتاب و حکمت است. (۱) و درباره ارتباط آن‌ها نیز مطالبی ذکر شده است. تعلیم انجیل، همان تعلیم کتاب و تعلیم، تورات، همان تعلیم حکمت یا بخشی از آن است. (۲) در آیه دیگری از قرآن، خصوصیات انجیل ذکر شده است. «وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَِّدَقًا لِمَا بَيَّنَّ يَدِيهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتِنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَِّدَقًا لِمَا بَيَّنَّ يَدِيهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى **** ۱ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، انتشارات اطلاعات، تهران، ص ۴۰. ۲ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، انتشارات اطلاعات، تهران، ص ۴۲. (صفحه ۱۰۱) وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (۴۶ / مائده) و از پس ایشان عیسی پسر مریم را فرستادیم، تصدیق کننده آنچه از تورات پیش روی اوست و به او انجیل دادیم که در آن بود راهنمایی و روشنایی و تصدیق کننده آنچه از تورات پیش روی او بود و راهنمایی و اندرزی باشد برای مؤمنان. نویسندگان تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل آیه فوق نوشته‌اند: جمله اول موجود در آیه با توجه به معنی کلماتش این مفهوم را می‌رساند: «عیسی هم همان مسلکی را که انبیاء پیش از او رفته‌اند پیموده است که همان راه دعوت به توحید و تسلیم به خداست». منظور از انجیل، کتاب است و نه صرفاً یک بشارت. آیات ۱۴۵ / اعراف و ۱۵۴ / اعراف راجع به کیفیت نزول تورات است و آیات ۱۵۹ / شعراء و ۲۱ / تکویر و ۱۶ / عبس راجع به قرآن است اما راجع به کیفیت (صفحه ۱۰۲) نزول انجیل و مشخصات آن در قرآن مطلبی نیامده است. «هدی» ی اولی، نوعی از معاد است که در باب عقاید باعث هدایت یافتن می‌شود و «هدی» ی دومی، نوعی از معارف است که به طرف تقوای در دین رهبری می‌کند، لذا «نور» همان احکام و قوانین فرعی است. پس منظور از «هدی» در توصیف تورات و «هدی» اولی در وصف انجیل، نوعی معارف اعتقادی چون توحید و معاد است و «هدی» دومی در وصف انجیل، نوعی پند است و منظور از «نور» در هر دو جا نوعی احکام و قوانین است. مطلب دیگر در آیه این است که تکرار «وَ مُصَِّدَقًا لِمَا بَيَّنَّ يَدِيهِ مِنَ التَّوْرَةِ» به معنی این است که انجیل از شریعت تورات تبعیت کرده است. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان،

علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ج ۵، ص ۵۲۵ الی ۵۲۸. (صفحه ۱۰۳) جمله اول موجود در آیه یا به این مفهوم است که نشانه‌ای که در تورات راجع به عیسی ذکر شده دقیقاً عیسی را با همان نشانه‌ها مبعوث کردیم و یا به این مفهوم است که عیسی به حقانیت تورات اعتراف کرد. نکته قابل توجه در آیه «نور» است که البته قرآن، از تورات و انجیل و قرآن به اسم نور نیز نام برده است البته تورات و انجیل واقعی امروزه تحریف شده‌اند. در انجیل نخست، «فیه هدی» گفته شده و سپس «هدی» آمده که این تفاوت ممکن است به خاطر آن باشد که در انجیل و کتاب‌های آسمانی دلایل هدایت بر هر کس هست ولی برای پرهیزکاران که با دقت در آن بیندیشند، باعث هدایت و تکامل است. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴، ص ۳۹۵ الی ۳۹۸. (صفحه ۱۰۴)

۴ پاکیزه شده از کفار

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ نَجَاتَكَ بِمَا كُنْتَ تَعْمَلُ. وَرَفَعْنَاكَ عَلَى الْغُرِّ وَقَوْمٌ لَكَ الْغُلَامَ مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (۵۵ / آل عمران) هنگامی که خداوند گفت: ای عیسی! من تو را اخذ نموده به سمت خودم بالا برم و تو را از معاشرت کافران پاک کنم. آیه فوق به عیسی بشارت می‌دهد که خدا تو را از کفار و معاندین نجات می‌دهد و این کار را با بالا بردن تو به سمت خودش انجام می‌دهد در تفسیر نمونه آمده است که: مراد از «مُطَهَّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» نجات از افراد پلید است و یا نجات از (صفحه ۱۰۵) تهمت‌های ناروا و توطئه‌های ناجوانمردانه و یا به معنی بیرون بردن مسیح از آن محیط آلوده است. (۱)

۵ مبارک

یکی دیگر از الطاف خداوند بر مسیح، مبارک قرار دادن اوست، یعنی همواره وجود او برای مردم منافع بسیاری دارد. مسیح این موضوع را در گهواره بیان می‌کند. «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» (۳۱ / مریم) و هر کجا که باشم، مبارکم کرده است. **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۵۶۹. (صفحه ۱۰۶) معنی مبارک بودن عیسی این است که هر کجا که باشد، برای مردم منافع بسیاری دارد، علم به ایشان می‌آموزد و به عمل صالح دعوتشان می‌کند و کور و پیس را شفا می‌دهد و خیرهای دیگری که به مردم می‌رساند. (۱) بانو امین نیز در کتاب مخزن العرفان می‌نویسد: عیسی می‌گوید خدا وجود او را طوری قرار داده که سبب خیر و برکت و تعلیم کننده افعال خیر و هدایت و سبب رستگاری مردم است. (۲) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۶۷. ۲ - مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، ج ۷، ص ۱۱۰ و ۱۱۱. (صفحه ۱۰۷)

۶ جبار و شقی نبودن

«وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (۳۲ / مریم) و مرا گردن کش و شقی قرار نداده است. مسیح در گهواره به یکی دیگر از الطاف خداوند به خودش اشاره می‌کند که او جبار و شقی نیست. عیسی می‌گوید خداوند مرا جبار قرار نداده یعنی به مردم چیزی را تحمیل نمی‌کنم و خیرخواه مردم هستم و مرا شقی قرار نداده یعنی پذیرای خیرخواه مردم هستم. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۶۷. (صفحه ۱۰۸)

۷ توصیه شده به نماز و زکات

«وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (۳۱ / مریم) و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. جایگاه نماز و زکات آنقدر مهم است که عیسی در گهواره نیز یادآور آن می‌شود و به سفارش شدن به آن‌ها تأکید می‌کند. در این آیه مشخص می‌شود که در شریعت عیسی، نماز و زکات تشریح شده و نمی‌توان گفت منظور از زکات، تزکیه و تطهیر نفس است. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۶۷. (صفحه ۱۰۹)

۸ توصیه شده به نیکی به مادر

توصیه کردن خداوند به نیکی کردن به مادر از الطاف الهی به مسیح است. مسیح در گهواره نیز این موضوع را متذکر می‌شود. «وَبِرًّا بِوَالِدَتِي» (۳۲ / مریم) و نسبت به مادرم نیکوکارم کرده است. تفسیر المیزان و مخزن العرفان ذیل آیه فوق نوشته‌اند: عیسی می‌گوید: خدا مرا با مردم مهربان گردانیده است که یکی از مظاهر آن مهربان بودن با مادرم است. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۶۷. (صفحه ۱۱۰) خدا مرا با برکت قرارداد و بر مادرم نیکویی می‌کنم که نیکویی بر «مادر» بدین علت گفته شده که مشخص شود عیسی، پدری ندارد تا مریم به زنا متهم نشود. (۱) **** ۱ - مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، ج ۸، ص ۱۱۱. (صفحه ۱۱۱)

ج وظایف عیسی

۱ تصدیق کردن تورات

تأیید کردن تورات حقیقی (و نه تورات تحریف شده) از مسؤولیت‌هایی بود که خداوند به عیسی داده بود. «وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (۵۰ / آل عمران) و تأیید کننده آنچه را پیش از من از تورات بوده هستم. «وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (۴۶ / مائده). و از پس ایشان عیسی پسر مریم را فرستادیم، تصدیق کننده آنچه از تورات پیش روی اوست. (صفحه ۱۱۲) «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (۶ / صف) همانا من فرستاده خدا هستم به سوی شما، تصدیق کننده آنچه پیش از من از تورات بوده هستم. با مطالعه سه آیه فوق به وضوح مشخص می‌شود که مسیح خواستار تحکیم بخشیدن به شریعت موسی و کتاب تورات است و خواستار تغییر اصول اعتقادی دین موسی نیست که البته این موضوع، در تمامی پیامبران، مشترک است: زیرا مباحثی مانند توحید، معاد، نبوت، نماز، زکات و ... در ادیان مختلف وجود دارد و تفاوت‌ها تنها در احکام است.

۲ حل کردن اختلاف مردم

(صفحه ۱۱۳) یکی دیگر از وظایف مسیح، حل کردن بعضی از اختلاف‌های مردم است. «وَأَلْبِئِن لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ» (۶۴ / زخرف) و (آمده‌ام) تا قسمتی از آنچه را که در آن اختلاف دارید بیان کنم. در رابطه با مقایسه این مسؤولیت مسیح با مسؤولیت پیامبر اسلام در کتاب عیسی در قرآن نکته‌ای بیان شده است. در آیه فوق، نکته‌ای لطیف است. چرا که عیسی

نمی گوید: «من آمده‌ام که همه موارد اختلاف را بیان کنم». بلکه می گوید: بعضی موارد اختلاف را. در حالی که درباره پیامبر گرامی اسلام می گوید: «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹ / نحل) ما قرآن را بر تو نازل کردیم که مبین هر چیزی است. (صفحه ۱۱۴) از این جا فرق میان انجیل و قرآن و تفاوت میان دو رسالت عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را خوب می فهمیم. (۱)

۳ حلال کردن بعضی حرام‌ها

عیسی مسئولیت دیگر خود را این چنین بیان می کند. «وَأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ» (۵۰ / آل عمران) و (آمده‌ام) تا بعضی چیزهایی که بر شما حرام بود را برایتان حلال کنم. از آیه ۱۶۰ نساء درمی یابیم که یهودیان به خاطر ظلمی که کرده بودند، خداوند **** ۱ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص ۲۲۴. (صفحه ۱۱۵) نعمت‌های حلال خود را بر آن‌ها حرام کرده بود. عیسی این نعمت‌ها را دوباره حلال می کند. (۱) «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا» (۱۶۰ / نساء) پس به خاطر ظلم کسانی که یهودی شده بودند، پاکیزه‌هایی را که برایشان حلال کرده بودیم حرام کردیم و (نیز) به سبب این که مردم زیادی را از راه خدا بازداشتند. اما اکنون که عیسی مبعوث شده است دوره حرام بودن آن حلال‌ها به اتمام رسیده است و خداوند بار دیگر آن‌ها را بر بنی اسرائیل حلال می کند. **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳ ص ۳۵۳. (صفحه ۱۱۶)

۴ بشارت به ظهور احمد

«و مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (۶ / صف) و به پیامبری بشارت می دهم که بعد از من می آید، اسمش احمد است. پس وقتی با نشانه‌های آشکار برایشان آمد، گفتند: این سحری آشکار است. در کتاب تفسیر المیزان و مخزن العرفان ذیل آیه فوق نوشته‌اند: عیسی مردم را به آمدن پیامبری بشارت می دهد. البته بشارت خبری است که شنونده از شنیدنش خوشحال شود و خوشحالی‌ای که شنونده در این بشارت عیسی پیدا می کند از این بابت است که با بعثت احمد صلی الله علیه و آله باب رحمت خداوند بر روی (صفحه ۱۱۷) انسان‌ها باز می شود و سعادت دنیا و عقباشان تأمین می شود، که این ملزوم است بر این که دین احمد صلی الله علیه و آله کامل تر و جامع تر باشد. اگر در مقایسه دین اسلام و سایر ادیان گذشته نیز دقیق شویم درمی یابیم که اسلام، دقیق تر و کامل تر است مخصوصاً توحیدی که در اسلام آمده بسیار دقیق است. همچنین شرایع و قوانین عملی اسلام که از کوچک‌ترین حرکات و سکانات فردی و اجتماعی انسان گرفته تا بزرگ‌ترین آن را در نظر گرفته و همه را تعدیل نموده است. از جمله «اسمه احمد» می توان دریافت که اهل تورات و انجیل او را به نام «احمد» می شناختند. البته، اناجیل کنونی (اناجیل اربعه) خالی از بشارت عیسی است که به خاطر صحیح نبودن مطالب آن‌هاست. مراد از «بیّنات» بشارت و معجزه قرآن و سایر معجزات نبوت است. بعضی گفته‌اند ضمیر «جاء» به عیسی برمی گردد که این با سیاق آیه سازگار نیست. (۱) (صفحه ۱۱۸) احمد به معنی ستایش گردیده شده در اخلاق و افعال است و یا به معنی ستایش کننده خدا است و شاید چون پیامبر مأمور شد تا خدا را نود و نه اسم ستایش نماید و به این نام‌ها و اسماء الحسنی او را به مردم بشناساند، نامش احمد شد. مرجع ضمیر جاء شاید پیامبر اسلام باشد و شاید عیسی علیه السلام باشد که با آن همه معجزات، یهودیان کارهایش را سحر پنداشتند. (۱)

**** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، محمدی، ج ۳۸، ص ۱۵۳ الی ۱۵۹. ۲ - مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان، ج ۱۳، ص ۲۷۶ و ۲۷۷. (صفحه ۱۱۹)

۱ تورات واقعی و تحریف شدن آن

کتاب آسمانی موسی، تورات بوده است که البته با این توراتی که امروز رایج است، تفاوت دارد. تورات واقعی همان است که در الواح بر موسی نازل شد. درباره محتویات تورات، علامه طباطبایی معتقد است که احکام الهی در آن ذکر شده است. تورات چندین بار از نو نوشته شد. در زمانی که «بخت النصر» به سرزمین‌های یهودیان حمله‌ور شد به سربازانش دستور داد تا تمام تورات‌ها را از بین ببرند و بدین ترتیب، هیچ نسخه‌ای از تورات حقیقی به جای نماند. بعد از مدتی که «کورش» توانست بخت النصر را شکست دهد و بابل را تصرف کرد، «عزیزو» (که در ادامه داستانش می‌آید) که از بزرگان یهود بود، نزد کورش رفت و برای یهودیان که از قبل تبعید شده بودند شفاعت طلبید، همچنین او توانست تورات را از نو بنویسد. (صفحه ۱۲۰) ناگفته نماند در زمان حمله بخت النصر، معبد‌های یهودیان ویران شد و مردان یهود به قتل رسیدند و زنان و کودکانشان اسیر شدند و به بابل انتقال یافتند و حدود یک قرن در آن جا بودند. همچنین در سال ۱۶۱ قبل از میلاد هنگامی که پادشاه سوریه، سرزمین‌های یهودیان را تصرف کرد دستور داد تا تورات‌ها را سوزانند و در نتیجه بار دیگر همان توراتی که عزیر نوشته بود، از بین رفت. با این اوصاف واضح است که کتب تورات امروزی همان الواح موسی نیستند و تغییراتی پیدا کردند اما توراتی که در آیه ۴۸ / آل عمران از آن نام برده شده و خدا آن را به مسیح تعلیم داده است همان تورات حقیقی است. «و يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (۴۸ / آل عمران) و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. (صفحه ۱۲۱) همین طور توراتی که مسیح، تأیید کننده آن است، تورات حقیقی است و نه تورات تحریف شده. «و مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (۵۰ / آل عمران) و تأیید کننده آنچه از پیش از من از تورات بوده، هستم.

۲ انجیل حقیقی و اناجیل اربعه

واژه انجیل از «اَوَنْجِيلُوم» (۱) یونانی گرفته شده و در زبان انگلیسی «گاسپل» (۲) گفته می‌شود. معنای لغوی آن مژده، بشارت و هر خبر نیک و خوش است و معنای **** ۱ - Gospel - Evangelism. ۲. (صفحه ۱۲۲) اصطلاحی آن، مجموعه کتاب‌ها و رساله‌هایی است که می‌گویند: از جانب خدای نور و محبت بر عیسای مسیح نازل شده است. این کتاب‌ها در احوال، اعمال، اقوال، معجزات و تعالیم حضرت مسیح سخن می‌گویند! (۱) کتاب مسیح، انجیل است که البته با اناجیل اربعه کنونی متفاوت است. آیاتی از قرآن که در زیر ذکر می‌شود، مرادشان از انجیل، انجیل حقیقی است و نه اناجیل اربعه کنونی. «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (۳۰ / مریم) گفت: همانا من بنده خدا هستم. به من کتاب داده است و مرا پیامبری قرار داده است. **** ۱ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص ۱۴ و ۱۵. (صفحه ۱۲۳)

آیه فوق که در بخش اول کتاب نیز ذکر شد سخنان عیسی در گهواره است. در این جا مراد از کتاب، انجیل است. ذکر کتاب توسط عیسی آن هم در گهواره نشان از اهمیت زیاد انجیل دارد. «وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ» (۴۸ / آل عمران) و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد. در رابطه با آیه فوق در تفسیر المیزان آمده است: منظور از انجیل نیز کتاب واحدی است که به عیسی علیه السلام نازل شده و وحی مختص به او بوده است، پس با انجیل اربعه تفاوت دارد. در انجیل تنها مقداری از احکام ناسخه ذکر شده گرچه از آیه ۴۷ / مائده می توان گفت که در انجیل به علاوه احکام ناسخه، احکام اثباتیه نیز موجود است. (۱) (صفحه ۱۲۴) «وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ» (۲۷ / حدید) و از پی ایشان عیسی پسر مریم را آوردیم و به او انجیل دادیم. در رابطه با انجیل اربعه، آیت الله دکتر احمد بهشتی در کتاب عیسی در قرآن می نویسد: در قرن چهارم میلادی امپراطور روم از میان ۱۶۰ انجیل و رساله و کتب تاریخ، تنها ۲۷ کتاب را انتخاب کرد و آن ها را به نام عهد جدید در برابر عهد عتیق قرارداد. بعدها انجمن مسیحیان کاتولیک، هرگونه شک و تردید درباره آسمانی بودن آن را تحریم کرد. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۴۸ و ۳۴۹. (صفحه ۱۲۵) به نظر اکثر صاحب نظران مسیحی انجیل مرقس قبل از انجیل دیگر نوشته شده، اگرچه در مجموعه انجیل کنونی در مرتبه دوم و بعد از انجیل متی قرار گرفته است. انجیل لوقا که سومین انجیل مجموعه کنونی است، ظاهراً حدود ۲۵ سال بعد از انجیل مرقس به نگارش درآمده و با انجیل متی فاصله زمانی زیادی دارد. انجیل لوقا بر مبنای انجیل مرقس نوشته شده و مؤلفان آن ها به انجیل مرقس دسترسی داشته اند. (۱) انجیل یوحنا به لحاظ محتوا با سه انجیل دیگر فرق دارد. این انجیل که در اواخر قرن اول میلادی نوشته شده، بیشتر ارزش کلامی دارد. حال آن که سه انجیل دیگر **** ۱ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، ص ۱۵. ۲ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، ص ۱۶. (صفحه ۱۲۶) بیشتر به زندگی و تعالیم عیسی توجه دارند. (۱) اما در مورد انجیل برنابا در کتاب عیسی در قرآن آمده است: متن انجیل برنابا با قرآن و روایات اسلامی هماهنگی بیشتری دارد. نام مبارک پیامبر اسلام در این انجیل صریحاً ذکر شده است و به همین جهت کلیسا آن را ممنوع کرد. مطابق نص این انجیل، عیسی کشته نشده و مصلوب نگردیده، بلکه شخص مصلوب همان «یهودای اسخریوطی» بوده است. (۲)

۳ پیروزی همیشگی پیروان مسیح بر کفار

**** ۱ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص ۱۷. ۲ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص ۱۸. (صفحه ۱۲۷) «جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (۵۵ / آل عمران) پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری می دهیم، پس آن گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود که به حق در آن چه بر سر آن با یکدیگر به خلاف و نزاع بر می خواستید حکم کنم. درباره آیه فوق بحث های زیادی صورت گرفته است و سؤال های زیادی مطرح شده است. از جمله این که: پیروان حقیقی مسیح در طول تاریخ چه کسانی هستند و آیا مسیحیان فعلی نیز جزء آن ها هستند؟ منظور از «الَّذِينَ كَفَرُوا»، تنها یهودیان آن زمان است و یا کفار تمامی عصرها؟ (صفحه ۱۲۸) منظور از برتری (فَوْقَ) برتری مادی است یا معنوی؟ تفسیر ذیل آیه فوق در تفسیر المیزان و نمونه نوشته شده است. می توان از آیه اینطور برداشت کرد که منظور از پیروان عیسی، نصاریی هستند که قبل از ظهور اسلام، بر آیین واقعی مسیحیت بوده اند و بعد از ظهور اسلام نیز، تنها مسلمانان، جزء پیروان حقیقی عیسی هستند. ولی به نظر می رسد که آیه مطابق آن نباشد زیرا اخبار از مستقبل است. و خبر از اتفاقاتی در آینده نزدیک می دهد. اگر منظور از

«تَفُوق» داشتن پیروان حقیقی عیسی از نظر قدرت باشد خلاف واقع است و تاکنون چنین چیزی مشاهده نشده و اگر منظور «تَفُوق» آن‌ها در آخرالزمان است هم با لفظ آیه سازش ندارد و اگر منظور «تَفُوق» پیدا نمودن پیروان حقیقی‌اش از نظر کثرت عدد است که هم خلاف واقع است و هم با لفظ آیه سازش ندارد. «الَّذِينَ كَفَرُوا» و «الَّذِينَ كَفَرُوا» هر دو جمله فعلیه‌اند و از طرفی وقتی عملی از بعضی افرادی که یک دسته سرزند و بقیه بر آن رضایت دهند، آن فعل را به همه نسبت می‌دهند، لذا «الَّذِينَ كَفَرُوا» جمعیت یهود را مشخص می‌کند و «الَّذِينَ اتَّبَعُوا» جمعیت نصاری را شامل می‌شود. نظر دیگر این است که مراد از «الَّذِينَ اتَّبَعُوا» نصاری و مسلمین هستند. (۱) خدا به مسیح بشارت می‌دهد که پیروانش را تا روز رستاخیز بر کافران برتری می‌دهد که در دنیای کنونی نیز این مسئله مشخص است زیرا یهود و صهیونیست‌ها بدون وابستگی به مسیحیان نمی‌توانند به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند. **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۶۱ الی ۳۶۷. (صفحه ۱۳۰) در آیه مشخص است که مراد از «الَّذِينَ كَفَرُوا» جماعتی از یهود است که به مسیح کافر شده‌اند. مبحثی که در این جا مطرح است این است که آیا وجود آیین مسیح تا پایان جهان ممکن است یا این که بعد از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همگان مسلمان‌اند. در جواب باید گفت وجود اقلیتی یهودی و مسیحی با شرایط «اهل ذمه» در حکومت حضرت مهدی هیچ منافاتی با روایات راجع به ایشان ندارد. (۱) در مجموع به نظر می‌رسد مراد کلی از آیه فوق این است که همواره «مؤمنان» بر «گنهکاران» پیروزانند که این پیروزی یا به صورت آشکار است (مانند جنگ بدر) و یا اگر **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۷۰ و ۵۷۱. (صفحه ۱۳۱) ظاهراً مؤمنین پیروز نشوند و شکست بخورند، باز هم «تلاش برای رضای خدا» و «پاداشی که خدا در راه مجاهدتشان به آن‌ها می‌دهد» برایشان پیروزی حقیقی است (مانند جنگ احد). مؤمنان این سرمایه عظیمشان را که «ایمان عمیق به خدا» است را حاضر نیستند با تمام ثروت‌ها و مقام‌ها و لذات دنیوی عوض کنند.

۴ رهبانیت و شکل‌گیری آن

«رُهْبَان» جمع «راهب» به معنی کسانی است که برای ترک دنیا در دیرها سکونت دارند و به عبادت می‌پردازند. (۱) رهبانیت از ماده «رَهَبت» به معنای **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۳۶۵. (صفحه ۱۳۲) خشیت و ترس است. (۱) در تفسیر مخزن العرفان راجع به رهبان و شکل‌گیری رهبانیت مطالبی ذکر شده است. رهبان کسی است که در منتهی درجه زهد و درستکاری باشد. به معنی عرفی شخصی از نصاری را گویند که برای عبادت و تحصیل زهد از خلق جدا شود و در گوشه‌ای منزوی گردد که البته این رسم را خدا برای آن‌ها واجب نکرده بود. طبرسی در مجمع‌البیان نقل می‌کند که پیامبر فرمود: بعد از عیسی جبّاران و گردن‌کشان آشکارا مرتکب فسق و گناه می‌شدند لذا مؤمنین سه بار با آن‌ها جنگیدند که در نتیجه **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳۷، ص ۳۶۲. (صفحه ۱۳۳) بسیاری از مؤمنین کشته شدند و معدودی از آن‌ها که باقی ماندند تصمیم گرفتند که دیگر جنگ نکنند تا کشته شوند و از اهل توحید کسی نماند لذا در کوه‌هایی رفتند و به عبادت مشغول شدند. این بود منشأ شکل‌گیری رهبانیت در بین نصاری. طبرسی در مجمع‌البیان نقل می‌کند که پیامبر به ابن مسعود فرمود: هفتاد و دو فرقه قبل از شما بودند که تنها دو فرقه آن‌ها نجات یافتند یکی از آن دو، فرقه‌ای بودند که با «جبابره» مقاتله کردند و کشته شدند و فرقه دیگر آن‌هایی هستند که منتشر در بلاد و مترهب گردید که همان‌هایی‌اند که قرآن گفت «رهبانیه ابتدعوها». هر کس به من ایمان آورد و نبوت من را تصدیق کند و مرا پیروی کند، درباره چنین کسی «رها حق رعایتها» صادق است. (۱) **** ۱ - مخزن العرفان در تفسیر

قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان، ج ۱۳، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. (صفحه ۱۳۴) در ادامه، راجع به انحراف رهبانیت نیز مطالبی ارائه خواهد شد.

ب اعتقادات مسیحیت

۱ تثلیث

تثلیث از عقاید اساسی و مهم مسیحیت است. به این معنی است که سه خدا وجود دارد. خدای پدر، خدای پسر و روح القدس. البته مسیحیان معتقدند که این سه خدا در واقع یکی هستند و سه خدا با یک خدا فرقی نمی‌کند. طبیعتاً همچنین اعتقادی که با منطق و ریاضیات هیچ انطباقی ندارد، ذهن مخاطب را به این تئوری سوق می‌دهد که (صفحه ۱۳۵) دین با عقل سازگار نیست و دین فقط جنبه تعبّدی دارد و تفکر در تثلیث جایز نیست. در تفسیر نمونه نیز این مطلب یادآوری شده است. مسأله بسیار مهم در مسیحیت، «تثلیث» است که مشکلات زیادی برای آن‌ها درست کرده است زیرا آن‌ها معتقدند خدا سه تاست و در عین حال معتقدند خدا یکی است که این موضوع به هیچ وجه با عقل جور در نمی‌آید و این مسأله باعث می‌شود تا تضاد علم و مذهب در مسیحیت آشکار شود که بسیار خطرناک است. (۱) درباره این که، تثلیث اعتقاد پایه‌ای و اصلی مسیحیت است یا خیر بعضی از مفسّرین تردید کرده‌اند که در تفسیر نمونه این مسأله مورد بررسی کوتاهی قرار گرفته است. **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۲۴ و ۲۲۵. (صفحه ۱۳۶) بعضی از مفسّرین مانند فخر رازی پنداشته‌اند که نصاری با صراحت، عقیده اتحاد خدا و مسیح را ابراز نمی‌کنند که این اعتقاد آن‌ها به خاطر عدم احاطه کافی به کتب مسیحیت است و گرنه منابع موجود مسیحیت با صراحت «وحدت در تثلیث» را بیان می‌کند. (۱) در قرآن کریم تثلیث با قاطعیت رد شده است. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ... وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ» (۱۷۱ / نساء) ای اهل کتاب در دینتان غلو نکنید... و نگویید سه تا (خدا) هستید. بس کنید که برای شما بهتر است. فقط و فقط، خداوند، خدای یکتاست. او منزّه از آن است که فرزندی داشته باشد. **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۳۲۵ و ۳۲۶. (صفحه ۱۳۷) در تفسیر نمونه مطلبی درباره شروع تثلیث آمده است که ذیل آیه ۵۱ / آل عمران است. در آیات دیگر قرآن نیز می‌خوانیم که عیسی بر روی بندگی خود تکیه فرموده است که این برخلاف انجیل‌های موجود است و لذا تا زمان حیاتش و حتّی دو قرن پس از او نیز خدا بودن عیسی مطرح نشد و به اعتراف محققان مسیحی مسأله تثلیث از قرن سوم میلادی آغاز شد. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۶۱. (صفحه ۱۳۸)

۲ مسیح، فدایی گناهان مردم

مسیحیان معتقدند عیسی برای باز خرید گناهان مردم آمده است، به خاطر آن به صلیب کشیده شده است و هر کس به او پیوندد تنها راه نجات را یافته است. در انجیل می‌خوانیم: بعد از آن که مسیح فرمود که خدا از قربانی‌های گوناگون و هدایایی که طبق شریعت و روش قدیم تقدیم می‌شود، راضی نیست. چنین گفت: «اینک آمده‌ام تا جان خود را فدا سازم». به این ترتیب روش سابق را لغو می‌کند تا روش جدیدی بنیاد نهد. طبق این روش و طرح جدید، مسیح یک بار جان خود را در راه ما فدا کرد تا ما را ببخشد و پاک نماید. مطابق شریعت و روش سابق، کاهنان هر روز در مقابل قربانگاه می‌ایستند و

قربانی‌هایی تقدیم می‌کنند که هرگز نمی‌توانند گناهان را (صفحه ۱۳۹) برطرف نمایند. اما مسیح خود را فقط یک بار به عنوان قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیامزد و پس از آن در بالاترین مکان عزت و افتخار، به دست راست خدا نشست و منتظر است تا دشمنانش به زیر پاهای او افکنده شوند. او با یک قربانی، همه آنانی را که از گناهانشان پاک می‌شوند، تا ابد کامل می‌گرداند. (۱) با دقت در این اعتقاد مسیحیت درمی‌یابیم که این اعتقاد مروج فساد و گناه است. زیرا وقتی انسان‌ها اطمینان حاصل پیدا می‌کنند که در هر حال رستگار می‌شوند، آن هم به خاطر مصلوب شدن یک فرد دیگر، پس چه در حالی که گناهی از آن‌ها سربرزند ***** ۱ - ترجمه تفسیری عهد جدید، نامه‌ای به مسیحیان یهودی نژاد (عبرانیان)، باب ۱۰، بند ۸ الی ۱۴. (صفحه ۱۴۰) و چه سر نزد، رستگار و سعادت‌مند هستند. در این حال تفاوتی بین کار نیک انجام دادن و کار بد و ناپسند انجام دادن نیست و یا حتی در ذهن فردی این مطلب می‌تواند خطور کند که: «حال که من سعادت‌مند و بهشتی هستم، پس در دنیا به خواسته‌های نفسانی و لذات شیطانی‌ام پاسخ مثبت دهم تا هم کیف این دنیا را کرده باشد و هم آن دنیا را.» نکاتی پیرامون فدا شدن مسیح در تفسیر نمونه ذکر شده است. دلایل رد نظریه «مسیح، فدایی مردم»: ۱ مسیح پیامبری مثل بقیه پیامبران بود و خداوند، نظیر و شبیه و مانند خود ندارد. ۲ راه نجات تنها ایمان و عمل صالح خود انسان است و نه قربانی گناهان دیگری شدن. ۳ عقیده «فدا شدن مسیح» مشوق فساد و گناه است. (۱) (صفحه ۱۴۱) مطالعه احادیثی که در کتب شیعه درباره «پاداش محبین اهل بیت» نقل شده است نیز، نیازمند دقت و ظرافت خاصی است و الا می‌تواند نتیجه‌ای شبیه نتیجه فدا شدن مسیح داشته باشد. به طور مثال هنگامی که حدیثی با این مضمون را می‌خوانیم که «هر کس بر حسین علیه‌السلام گریه کند بهشت بر او واجب می‌شود». نباید به طور ناخودآگاه این خیال خام در ذهن ما ایجاد شود که: «پس می‌توان در طول سال تنها دهه اول ماه محرم را بر امام حسین گریه کرد و کارهای نیک انجام داد اما مابقی سال را هر گناهی که خواستیم انجام دهیم. مگر در حدیث نیامده است که گریه بر امام حسین ما را وارد بهشت می‌کند که البته حدیث هم از زبان معصوم است و معصوم هم راستگو است. انشاءالله خود آقا امام حسین در روزت قیامت شفاعت‌مان می‌کند.» ***** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۰۰. (صفحه ۱۴۲) البته اعتقاد فوق در جامعه شیعیان رواج دارد. کم نیستند افرادی که همه ساله در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند و سینه می‌زنند و در خیابان‌ها زنجیر می‌زنند و یا کسانی که با برپایی این مراسم هزینه‌های بسیاری را متقبل می‌شوند، اما به راحتی دروغ می‌گویند و غیبت می‌کنند. به آسانی رشوه می‌دهند و می‌گیرند. وقتی به زیر دست خود می‌رسند، متکبرانه برخورد می‌کنند. هنگامی که نیازمندی به آن‌ها رجوع می‌کند، توجهی ندارند و با همه این خصوصیات، چون بر امام حسین گریه کردند به نظرشان افراد مذهبی هم هستند. آن‌ها تمام دین را به پوسته و ظاهرش می‌نگرند و به عمق و کنه معارف والا و نجات‌بخش اسلام توجهی ندارند. البته این بحث، بسیار عمیق و ضروری است که در این جا نمی‌گنجد. (صفحه ۱۴۳)

۳ پرستش مریم

«وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيْ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ» (۱۱۶ / مائده) و هنگامی که خدا گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی مرا و مادرم را غیر از خدا دو معبود بگیرند؟ (عیسی) گفت: تو منزهی. در آیه فوق که مکالمات روز قیامت را نشان می‌دهد خداوند از عیسی سؤال می‌کند که آیا تو گفتی مردم تو و مادرت را خدا بگیرند. مسلماً سؤال خداوند به معنای ندانستن او از جواب این سؤال نیست که مباحث کامل‌تر در قسمت‌های بعدی خواهد آمد. اما در این جا به بررسی این سؤال می‌پردازیم که «آیا مسیحیان مریم را (صفحه ۱۴۴) خدا می‌دانند و او را

پرستش و عبادت می کنند؟» نظر مفسران را در این رابطه می خوانیم: با توجه به اعتقاد مسیحیت درمی یابیم که آن‌ها مریم را خدا نمی گرفتند. ه. ج فلز در مجمل التاریخ می نویسد: عبادت کردن مریم و مسیح صحیح نیست زیرا در انجیل مرقس عبادت و پرستش غیر خدای یکتا نهی شده است ولی عبادتی که مسیحیان نسبت به مریم انجام می دهند چند نوع است. ۱. نمازی که مشتمل بر دعا و استغاثه و استشفاء است. ۲. روزه‌ای که آن را به مریم نسبت می دهند و به نام وی نیز نامیده می شود. این عبادت توأم با خشوع در برابر مجسمه و بلکه صورت خیالی مریم انجام می شود و معتقدند مریم دارای سلطنت غیبی‌ای است که می تواند بدون وساطت فرزندش نسبت به امور دنیا و آخرت مردم نفع و ضرر برساند. و تصریح کرده‌اند که (صفحه ۱۴۵) پرستش مریم واجب است لیکن در عین حال از هیچ یک از فرق آن‌ها دیده نشده که کلمه «اله» را بر مریم اطلاق کنند. (۱) مسیحیان مریم را خدا نمی دانستند ولی در برابر مجسمه او عبادت می کردند. گرچه مسیحیان کلمه «اله و معبود» را بر مریم اطلاق نمی کردند، اما عملاً مراسم نیایش و پرستش را در برابر او دارند. (۲)

۴ اطاعت بی قید و شرط از راهبان

با گذشت زمان، راهب‌ها نزد مسیحیان، قداست خاصی پیدا کردند و تنها مرجع **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۸۵. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۱۳۶. (صفحه ۱۴۶) تصمیم گیری نصاری شدند. نصاری بدون تعقل و تفکر از آن‌ها پیروی می کردند تا جایی که برای آن‌ها اختیار تغییر قوانین الهی را قائل بودند. «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَ رُحَبَاءَهُمْ أَرْبَاباً مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ» (۳۱ / توبه) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند و (همچنین) مسیح پسر مریم را. در ذیل آیه فوق تفسیر المیزان و تفسیر نمونه نوشته‌اند: یهودیان و مسیحیان، بدون هیچ قید و شرط از احبار و راهبان پیروی می کنند که این نوع پیروی را فقط باید از خدا کرد. نکاتی پیرامون آیه: ۱ اطاعت «بدون قید و شرط» هر چیز مساوی با «رب» دانستن آن چیز است و اطاعت هم وقتی به طور (صفحه ۱۴۷) استقلال باشد، خود عبادت و پرستش است و لذا شخص مطاع بدون قید و شرط و به نحو استقلال اله است، زیرا «اله» کسی است که سزاوار عبادت باشد. ۲ هر جا در قرآن به عبادت خدای واحد دعوت شده (مثل آیه ۲۵ / انبیاء و آیه ۲۱۳ / شعراء)، مقصودش نهی از اطاعت غیر او نیز هست. لذا اعتقاد به این که جز اله واحدی را نپرستید توحید را نمی رساند بلکه باید معتقد بود: «آن الهی را پرستید که جز او الهی نیست». (۱) مسلماً یهود و نصاری در برابر علما و راهبان سجده نمی کردند و برایشان نماز و روزه و سایر عبادات انجام نمی دادند ولی به خاطر تسلیم شدن بی قید و شرط و **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۳۷۵ الی ۳۷۷. (صفحه ۱۴۸) پیروی از احکام آن‌ها که مخالف احکام خدا بوده قرآن به آنان کلمه «رب» را اتخاذ کرده است. روایتی در این باب نیز از امام باقر و امام صادق نیز نقل شده است. روایت دیگری نیز از پیامبر راجع به این موضوع نقل شده است. لذا اگر کسی قانونی برخلاف قانون خدا درست کند، کسی که آن را به رسمیت می شناسد، یک نوع شرک عملی و یا پرستش غیر خدا کرده است. در حالی که در بین یهود و نصاری برای پیشوایان اختیار تغییر قوانین الهی به صلاحدید آن‌ها را قائل بودند. در این آیه درس بسیار آموزنده‌ای وجود دارد مبنی بر این که همه اطاعت‌ها باید در چهارچوب اطاعت خدا درآید و پیروی از دستور انسانی تا آن جا مجاز است که با قوانین خدا مخالفت نداشته باشد. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۳۶۵ الی ۳۶۷. (صفحه ۱۴۹) در آیه دیگری از قرآن، خبر لعنت شدن جمعی از بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی نقل شده است که می تواند این موضوع را به نصاری گوشزد کند که گذشتگان شما هر چه می کردند، لزوماً صحیح

نبوده است و قداست خاصی نباید برای آنها قایل شوید تا به تقلیدهای کورکورانه روی آورید و در نتیجه به سرنوشت شوم آنها دچار شوید. «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (۷۸ / مائده) جمعی از بنی اسرائیل که کفر ورزیدند از زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند، زیرا نافرمانی کردند و از تجاوز کنندگان بودند. (صفحه ۱۵۰) ذیل آیه فوق در تفسیر نمونه مطالبی عنوان شده است. در این آیه برای جلوگیری از تقلیدهای کورکورانه اهل کتاب از پیشینیان به سرنوشت شوم آنها اشاره می کند که مورد لعنت پیامبرشان واقع شده اند. ولی درباره این که چرا تنها نام این دو پیامبر آورده شده نظرات متفاوتی مطرح است. ۱ آن دو سرشناس ترین پیامبران بعد از موسی بودند. ۲ بسیاری از اهل کتاب افتخار می کردند که فرزند داود هستند و در این جا مشخص می شود داود از کفار متنفر بود. (۱) ****

۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۴۲ و ۴۳. (صفحه ۱۵۱)

ج نکاتی در رد الوهیت مسیح

۱ مقایسه عیسی و آدم

مقایسه عیسی و آدم که هر دو پدر نداشتند (و حتی آدم، مادر نیز نداشت) می تواند جواب شفاف و قابل قبولی برای مدعیان الوهیت مسیح باشد، زیرا آنها «تولد خارق العاده» و «نداشتن پدر» عیسی را دلایلی بر الوهیت او می دانند. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (۵۹ / آل عمران) همانا مثل عیسی نزد خداوند همچون آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او گفت: موجود باش. او هم فوراً موجود شد. ذیل آیه فوق مطالب دو تفسیر را می خوانیم. (صفحه ۱۵۲) شأن نزول آیه بدین ترتیب است که جمعیتی ۶۰ نفری از مسیحیان نجران برای گفتگو با پیامبر وارد مدینه شدند. پیامبر در جواب سؤال آنها که «ما را به چه چیز دعوت می کنی؟» بود، گفت: «به سوی خدای یگانه و این که از طرف او رسالت خلق را دارم و مسیح بنده ای از بندگان اوست و حالات بشری دارد و مانند دیگران غذا می خورد.» آنها پذیرفتند و تولد خارق العاده عیسی را دلیل بر الوهیت او خواندند تا این که این آیات نازل شد و ماجرای مباحثه پیش آمد. خداوند در این آیه به ادعای مسیحیان پاسخ می دهد که اگر عیسی پدر نداشت، آدم هم پدر و هم مادر نداشت. پس دلیلی بر فرزندی خدا یا عین خدا بودن مسیح وجود ندارد و تولد خارق العاده عیسی هیچ کار مشکلی برای خدا نبود و اصلاً کار سخت و مشکل برای خدا معنی ندارد. برای او آفریدن یک برگ با آفرینش یک جنگل در هزاران کیلومتر یکسان است. (۱) (صفحه ۱۵۳) از آیه نتیجه می شود که خلقت عیسی مانند خلقت آدم طبیعی است گرچه ظاهراً خارق العاده است. در این آیه به این موضوع تأکید می شود که آفریدن چیزی توسط خدا به اسباب و لوازم نیاز ندارد تا به خاطر اختلاف اسباب، خلق نمودن برای خدا آسان و مشکل و یا ممکن و محال یا نزدیک و دور شود. (۱)

۲ غذا خوردن عیسی و مریم

«مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۷۵ و ۵۷۶. ۲ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی ۷ ج ۳، ص ۳۷۰ و ۳۷۱. (صفحه ۱۵۴) کانا یا کُلانِ الطَّعَامِ» (۷۵ / مائده) مسیح پسر مریم، نبود جز پیامبری که پیش از او پیامبرانی در گذشته است و مادرش زن راستگویی بود. آن دو خوراک می خوردند. دلیل روشن دیگری بر نفی الوهیت عیسی، غذا خوردن او بود زیرا

خداوند هیچ گاه نیازی ندارد که یکی از نیازها می تواند نیاز به غذا خوردن باشد پس اگر عیسی و مریم خدا بودند هیچ گاه، نیازی نداشتند، پس غذایی هم نمی خوردند. در تفاسیر المیزان و نمونه آمده است: مسیح، همانند سایر پیامبران بوده است و مادرش هم بشری بود صدیقه که آیات خدا را تصدیق کرده این مادر و فرزند هر دو طعام می خوردند و طعام خوردن برای این است که به آن نیاز دارند و نیاز داشتن دلیلی بر مخلوقیت است. در اناجیل کنونی (صفحه ۱۵۵) نیز ذکر شده است که مریم دختری مؤمن بوده و عیسی از مریم متولد شده است و همین طور ذکر شده است که عیسی مانند بقیه فرستادگان خدا بوده است و آن دو مثل سایرین غذا می خوردند. این آیه می تواند در این مقام باشد که الوهیت را از مسیح و مادرش نفی کند و یا در این مقام باشد که مردم را از خضوع زیاد در برابر مسیح و مادرش جلوگیری کند. (۱) در ابتدای آیه اشاره شده است به تفاوت نداشتن مسیح علیه السلام و سایر پیامبران که دلیلی است بر رد الوهیت مسیح. سپس به مادر او اشاره می شود و این که عیسی هم مانند بقیه انسانها، در رحم زنی پرورش یافت که خود دلیل بر نیازمند بودن اوست. ****۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی ۷ ج ۶، ص ۱۱۹ الی ۱۲۱. (صفحه ۱۵۶) مریم هم به خاطر هماهنگ بودن با مسیح در راه رسالتش محترم است و نباید همچون یک معبود با او برخورد کرد. سپس به یکی دیگر از دلایل نفی ربوبیت مسیح اشاره می کند که همان غذا خوردن است. مسلماً غذا خوردن دلیلی است بر نیازمندی. (۱)

۳ تأکید مسیح بر بنده خدا بودنش

عیسی بارها تأکید کرده است که «اللَّهُ»، رب اوست و او در مقابل پروردگار خویش، بنده ای بیش نیست. او بار اول این سخن را در گهواره گفت. «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» (۳۰ / مریم) ****۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۳۸ و ۳۹. (صفحه ۱۵۷) گفت همانا من بنده خدا هستم. اولین کلامی که عیسی در زندگی اش گفت «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» بود که نشان از اهمیت این موضوع دارد. شاید به دلیل اهمیت بندگی انسان در مقابل خدا این سخن را گفت و شاید هم برای جلوگیری از این که بعداً او را به عنوان خداوند، پرستش و عبادت نکنند. در آیه دیگری صریحاً اعلام شده است که مسیح از بنده خدا بودنش هرگز سرپیچی نمی کرد. «لَنْ يَشْكُرَكَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ» (۱۷۲ / نساء) مسیح، هرگز از این که بنده ای برای خدا باشد سرپیچی نمی کند. در تفسیر نمونه و تفسیر المیزان ذیل آیه فوق مطالبی بدین ترتیب ذکر شده است. جمعی از مفسران در شأن نزول این آیه می گویند طایفه ای از مسیحیان نجران به (صفحه ۱۵۸) پیامبر گفتند: چرا نسبت به عیسی خورده می گیری و او را بنده و پیامبر خدا می دانی که در این موقع، این آیه نازل شد. این آیه به مسیحیان می فهماند که خود عیسی معترف بر بنده بودنش است. (۱) بنده خدا بودن عیسی مطلبی است که در اناجیل رایج است و نصاری منکر آن نیستند. (۲) در آیه ۵۱ / آل عمران و ۶۴ / زخرف نیز مسیح می گوید اللَّهُ، رَبِّس است. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ» (۵۱ / آل عمران) ****۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۳۰ و ۲۳۱. ۲ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۵، ص ۲۳۴. (صفحه ۱۵۹) همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست. چون عیسی به واسطه معجزات خاصش احتمال می داد که مردم به خداوندی او معتقد شوند لذا «رَبِّي» را می آورد و البته این جمله را خدا به او امر کرده بود تا بگوید، که دلیل آن آیه ۱۱۷ / مائده است. (۱) عیسی علیه السلام به خاطر رفع هر گونه ابهام و دستاویز قرار ندادن تولد استثنایی او برای خدا قرار دادنش می گوید که خداوند پروردگار من و شماست. (۲) «إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ» (۶۴ / زخرف) ****۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۴. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۶۰. (صفحه ۱۶۰) همانا خداوند، اوست

پروردگار من و پروردگار شما. عیسی برای آن که کسانی که معجزات خارق العاده‌اش را دیده‌اند، شک به الوهیت او نکنند قید می‌کند که خداوند، پروردگار او نیز است و این طور اتمام حجت می‌کند. (۱)

۴ تأکید بر «یاذنی الله» در وقوع معجزات

عیسی، معجزات خارق العاده‌ای انجام می‌داد و همانطور که در بخش اول گفته شد، معجزات او به دلیل ارتباط با روح و حیات انسان با پیامبران دیگر متفاوت بود **** ۱ - مخزن العرفان، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان، ج ۱۲، ص ۴۱ و ۴۲. (صفحه ۱۶۱) بنابراین، مسأله خدا بودن عیسی می‌توانست در فکر بینندگان معجزه نقش ببندد. اما عیسی وقتی معجزاتش را بیان می‌کند «یاذنی الله» را نیز ذکر می‌کند تا الوهیتش را نفی کند و مخاطب متوجه شود تمامی این معجزات فقط و فقط به اجازه خداوند است و مسیح به تنهایی قادر به انجام آن‌ها نیست. «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْمَأْكَمَةَ وَ الْمَأْبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْنِيكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ» (۴۹ / آل عمران) همانا من نشانه‌ای از پروردگارتان برایتان آورده‌ام من از گل چیزی شبیه پرنده برای شما می‌سازم سپس در آن می‌دمم، پس آن به اذن خدا پرنده می‌شود و کور مادرزاد و مبتلایان به برص را بهبود می‌بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده (صفحه ۱۶۲) می‌کنم و از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم. در این آیه چهار معجزه ذکر شده است که برای دو مورد آن «یاذنی الله» آمده شده که علت آن (همانطور که در بخش اول گفته شد) این است که خلق پرنده و زنده کردن مرده شبیه خدا بودن مسیح را بیش از معجزات دیگر در ذهن تداعی می‌کند. اما در آیه ۱۱۰ / مائده، برای شفای کور مادرزاد و پیس هم «یاذنی الله» (یاذنی) ذکر شده است، زیرا مخاطب آن آیه مردم نیستند بلکه عیسی علیه السلام است.

۵ تأکید بر «ابن مریم»

دلیل دیگری بر نفی الوهیت عیسی، این است که او دارای مادر است. فردی که، فرزند شخص دیگری است و در رحم او بوده است، «نیازمند» است و طبیعتاً شخص (صفحه ۱۶۳) نیازمند نمی‌تواند خدا باشد و مسلماً خدا مادر ندارد. در قرآن «۲۵» بار نام عیسی آمده است که «۱۶» بار آن همراه مریم است یعنی از عبارت «عیسی ابن مریم» استفاده شده است. آیاتی که از عبارت «عیسی ابن مریم» در آن‌ها استفاده شده است، عبارتند از: ۸۷ / بقره ۲۵۳ / بقره ۴۵ / آل عمران ۱۵۷ / نساء ۱۷۱ / نساء ۴۶ / مائده ۷۶ / مائده ۱۱۰ / مائده ۱۱۲ / مائده ۱۱۴ / مائده ۱۱۶ / مائده ۳۴ / مریم ۷ / احزاب ۲۷ / حدید ۶ / صف ۱۴ / صف (صفحه ۱۶۴) همچنین در قرآن «۱۱» بار نام مسیح آمده است که «۵» بار به صورت «مسیح ابن مریم» ذکر شده است. این آیات عبارتند از: ۱۷ / مائده (۲ بار) ۷۲ / مائده ۷۵ / مائده ۳۱ / توبه. در مجموع «۲۱» بار نام عیسی یا مسیح همراه مادرش آمده است که از مجموع «۳۶» باری که نام عیسی و مسیح در قرآن ذکر شده است رقم قابل توجهی است. به عبارتی دیگر «۱۲۷» مواردی که نام عیسی (عیسی یا مسیح) در قرآن برده شده است، نام مریم نیز به عنوان مادرش بعد از نام او ذکر شده است.

۶ برای خدا واژه «سختی» وجود ندارد

اگر باور داشته باشیم که برای خدا، هیچ کاری سخت نیست و هر کاری که در ذهن (صفحه ۱۶۵) ما متصور شود برای او آسان است، آن وقت تولد خارق‌العاده عیسی نیز کاری دست نیافتنی و محال جلوه نخواهد کرد. زیرا برای او انجام دادن کاری که در ذهن ما بسیار مشکل است با کاری که در ذهن ما بسیار آسان جلوه می‌کند، هیچ تفاوتی ندارد. او اگر بخواهد هر چیزی را موجود کند تنها کافی است بخواهد و همان لحظه که خواست او بر موجود بودن چیزی تعلق گرفت، آن چیز موجود می‌شود. او مالک آسمان‌ها و زمین است و بر هر کاری قادر و توانا. «قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱۷ / مائده). بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و هر کس روی زمین است، (صفحه ۱۶۶) تمامی‌شان را هلاک کند. چه کسی بر خدا تسلط دارد؟ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، برای خداست. هر چه را می‌خواهد، می‌آفریند و خداوند بر تمام کارها تواناست. آیه فوق نشان دهنده قدرت لایتناهی خداوند در مقابل تمامی مخلوقاتش (حتی عیسی و مریم) است. در تفسیر المیزان آمده است: «ابن مریم» و «امّه» و «من فی الارض جمیعاً» که در آیه آمده است مشخص می‌کند که از جهت قدرت خداوند بر آنها تفاوتی نیست و مریم و عیسی با بقیه کسانی که در زمین هستند تفاوتی ندارند. (۱) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۵، ص ۳۸۳. (صفحه ۱۶۷) در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق مطالبی نوشته شده است: در این آیه به «بنده بودن» و «پسر مریم بودن» عیسی اشاره شده است و این که چطور بنده خدایی که برایش تصور نیستی می‌رود می‌تواند خدای ازلی و ابدی باشد و یا به تعبیر دیگر اگر مسیح خدا باشد آفریدگار جهان نمی‌تواند او را هلاک کند پس قدرتش محدود است لذا خدا نیست. تکرار کلمه «مسیح ابن مریم» اشاره به این است که مسیحیان نیز معترف به فرزند مریم بودن مسیح هستند. نکته دیگر در آیه آوردن «امّه» است به خاطر این که مشخص شود عیسی و مادرش با کل مردم جهان تفاوتی ندارند در حالی که مسیحیان به هنگام پرستش، مریم را هم می‌پرستیدند. در پایان آیه «یخلق ما یشاء» آمده که اشاره به تولد خارق‌العاده مسیح است. (۱) (صفحه ۱۶۸) «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (۵۹ / آل عمران) همانا مثل عیسی نزد خداوند، همچون آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او گفت: موجود باش. او هم فوراً موجود شد. آیه فوق مشخص کننده این است که از زمانی که خداوند تصمیمی بر موجودیت کسی بگیرد تا وقتی که آن کس، موجود شود، لحظه‌ای وجود ندارد. البته این قدرت خدا منحصر به موجود کردن شخص یا چیزی نیست بلکه هر کاری را که خدا بخواهد انجام دهد همان وقتی که خواسته است آن کار انجام می‌شود بدون هیچ گونه مشکل **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۳۲۶ و ۳۲۷. (صفحه ۱۶۹) و ناراحتی و زحمت کشیدن.

د اعتقاد به تثلیث و نتیجه آن

۱ مکالمه در روز قیامت

«وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا- أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنْ كُنْتَ عَلَماً الْغُيُوبِ» (۱۱۶ / مائده) و هنگامی که خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفתי مرا و مادرم را غیر از خدا دو معبود بگیرید! (عیسی) گفت: تو منزه‌ی. شایسته من نیست چیزی را (صفحه ۱۷۰) که حق من نیست، بگویم. اگر گفته باشم، تو خود آن را شنیده و

دانسته‌ای. تو می‌دانی آنچه را که در نفس من است و من آنچه را در نفس تو است نمی‌دانم. همانا تو علام الغیوبی. درباره آیه فوق که گفتگویی بین خدا و رسولش در روز قیامت است، تفسیر نمونه و تفسیر المیزان مطالب جامعی را ذکر کرده‌اند: منظور از «اذ» روز قیامت است. تعبیر قرارداد دادن عیسی و «مادرش» برای اله قراردادادن، بهتر از تعبیر عیسی و «مریم» است، زیرا برای مسیحیان یادآور این است که عیسی بدون پدر و تنها از مادر متولد شد که همین اعتقاد باعث مسأله تثلیث شده است. در آیه «مَنْ دُونِ اللَّهِ» آمده است که منظور شریک قائل شدن برای خداست و نه این که به کلی خدا را قبول نداشتن. در حقیقت وجود خدا را کسی نمی‌تواند انکار (صفحه ۱۷۱) کند حتی مشرکینی که به ظاهر منکر خدا هستند حرف بی‌معنایی می‌زنند. پس معنای «إِلَهَيْنِ مَنْ دُونِ اللَّهِ» این است که دو شریک برای خدا قائل شدند، و نه این که دو اله بودن خدا را قبول داشتند. عیسی در ابتدای جوابش خود را لایق چنین سخنی که او و مادرش را اله قرار دهند، نمی‌داند که نشانه «ادب» او مقابل پروردگار است. اگر عیسی علیه‌السلام در جواب خداوند می‌گفت که من این کار را نکردم و یا این موضوع را نگفتم معلوم می‌شد که ممکن بود که چنین حرفی را بزند یا چنین کاری را انجام دهد مثلاً وقتی مولایی به عبدش می‌گوید: «چرا کاری را که نگفته‌ام انجام دادی؟» اگر عبد بگوید: «من عاجزتر از آنم که چنین مخالفتی مرتکب شوم»، سبب چنین کاری را نفی می‌کند. سپس مسیح به شنوندگان این مفهوم را منتقل می‌کند که در سخنانش تنها علم خدا را (صفحه ۱۷۲) در نظر می‌گرفته است و همچنین علم خدا مثل علم پادشاهی نیست که از طریق گزارشات از حال رعیت آگاه شود و شاید از مطالبی هم ناآگاه بماند بلکه خدا حتی از نفس ما انسان‌ها، هم خبر دارد و سپس عیسی برای دفع این توهم که علم خدا تنها به مسیح محدود است می‌گوید: «إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ». (۱) این آیه پیرامون روز قیامت است و این که از فعل «قَالَ» که برای زمان ماضی است استفاده شده مشکلی ایجاد نمی‌کند زیرا اشاره به قطعی بودن قیامت دارد و این نوع استفاده از فعل ماضی در قرآن بسیار دیده شده است. علت سؤال خداوند این است که مسیح علیه‌السلام در برابر امتش اقرار بگیرد. **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۳۸۱ الی ۳۸۵ و ۳۸۸ الی ۳۹۱. (صفحه ۱۷۳) مسیح در جواب خود نه تنها گفتن این سخن را از خود نفی می‌کند بلکه می‌گوید اساساً من چنین حقی را ندارم و چنین گفتاری با مقام من هرگز سازگار نیست. (۱) اما با مطالعه این آیه شاید این سؤال مطرح شود که خدا هم جواب سؤالش را می‌داند و هم عالم است که عیسی چه جوابی به این سؤال می‌دهد، پس چرا سؤال را مطرح می‌کند؟ در کتاب «عیسی در قرآن» به این سؤال پاسخ داده شده است: پس غرض این است که امت عیسی بدانند که عیسی بی‌گناه است و راهی را که امت رفته، چه در انکار توحید و چه در انکار وحی و چه در انکار بعثت عیسی به عنوان فرستاده خدا، ساخته بدعت گذاران است. (۲) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۱۳۴ و ۱۳۵. (صفحه ۱۷۴)

۲ استکبار

«لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (۱۷۲ / نساء) مسیح هرگز سرپیچی نمی‌کند از این که بنده‌ای برای خدا باشد و فرشتگان مقرب (نیز سرپیچی نمی‌کنند) و هر کس از بندگی او سرپیچی کند و گردنکشی کند، پس به زودی تمام آن‌ها را نزد خود جمع می‌کند. استنکاف ورزیدن هم می‌تواند از روی جهل باشد و هم می‌تواند به خاطر **** ۱ - عیسی در قرآن، آیه الله دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، ص ۳۲۰. (صفحه ۱۷۵) لجبازی باشد که به نوع دوم استکبار می‌گویند. در این آیه هم از واژه «استکبار» استفاده شده است، زیرا کسانی که از عبادت خدا روی می‌گردانند، از روی جهل و نادانی این عمل را مرتکب نمی‌شوند بلکه از سر عناد و لجبازی

مرتکب آن می‌شوند. در تفسیر المیزان مطالبی ذیل آیه فوق عنوان شده است: جماعتی از مشرکین معتقد بودند ملائکه دختران خدایند که در این آیه نفی این موضوع نیز آمده است. تعبیر به «مسیح» و «مقرَّبون» برای عیسی و ملائکه بدین علت است که مسیح (یعنی مبارک) از اطاعت خدا سر باز نمی‌زند و مقرَّبین خدا نیز پیرو اویند. «یستکبر» به خاطر این آمده است که عیسی علیه‌السلام و فرشتگان مقام خدا را می‌دانند پس اگر بندگی او را نکردند از روی نادانی نیست بلکه از روی استکبار است. (۱) (صفحه ۱۷۶) تفسیر نمونه هم مطالبی راجع به آیه فوق ذکر کرده است: نکته اول موجود در آیه این است که استنکاف ورزیدن می‌تواند از روی جهل باشد و می‌تواند از روی لجبازی و استکبار و این آیه استنکاف از نوع دوم را مشخص می‌کند. نکته دوم این است که ذکر عدم استنکاف ملائکه یا برای این است که مشخص شود فرشته روح‌القدس بنده خداست و یا به بت‌پرستان عرب که فرشتگان را فرزند خدا می‌دانستند مشخص شود که فرشتگان بندگی خدا را می‌کردند. (۱) «أَنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤْفِكُونَ» (۷۵ / مائده) **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۵، ص ۳۲۴ و ۳۲۵. ۲ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۳۲ و ۲۳۳. (صفحه ۱۷۷) بنگر که چگونه برای ایشان نشانه‌ها را بیان می‌کنیم. سپس بنگر که کجا به دروغ رانده می‌شوند. ابتدای آیه فوق که در این جا ذکر نشده است اشاره دارد به غذاخوردن عیسی و مادرش مریم که یکی از دلایل مشخص کننده نفی الوهیت مسیح است. لذا در ادامه آیه تصریح شده است که نگاه کن نشانه‌های واضح و روشن را چقدر آشکارا برایتان بیان می‌کنیم و آن‌ها به جای قبول کردن نشانه‌ها و دلایل و تفکر در آن‌ها عکس‌العملی از سر عناد از خودشان بروز می‌دهند که دلیلی است بر استکبار (استنکاف از روی لجبازی) کسانی که به نشانه‌های الهی بی‌توجه هستند. آری! با دلایلی که خداوند در ردّ خدایی مسیح می‌آورد، اگر کسی باز هم به الوهیت عیسی اعتقاد داشته باشد مشخص است که قصد سرپیچی و گردنکشی دارد. در دو تفسیر، (صفحه ۱۷۸) ذیل این قسمت از آیه آمده است که: در انتهای آیه تکرار «أَنْظِرْ» اشاره به این است که از یکسو در این دلایل روشن بنگر که برای توجه هر کس کافی است و از یک سو به عکس‌العمل‌های منفی و حیرت‌انگیز آن‌ها بنگر که برای هر کس تعجب‌آور است. (۱) در انتهای آیه خداوند می‌گوید بنگر چطوری برای بطلان ادعایشان بر الوهیت مسیح ظاهرترین دلیل را با واضح‌ترین بیان برایشان انتخاب کردیم و آن‌ها چگونه از تعقل و توجه به آیات، اعراض کردند. (۲) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۳۹. ۲ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۱۲۱. (صفحه ۱۷۹)

۳ هم آهنگ شدن با مشرکین

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (۳۰ / توبه) و یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست. و مسیحیان گفتند: مسیح پسر خداست. این است گفتارشان با دهان‌هایشان هم آهنگ می‌شوند با گفته کسانی که از قبل کفر می‌ورزیدند. خدا با آن‌ها جنگ کند. (آن‌ها را لعنت کند). به کجا به دروغ رانده می‌شوند؟ (صفحه ۱۸۰) در رابطه با «عزیر» و این که یهودیان او را پسر خدا می‌دانند مطالبی در دو تفسیر آمده است که توجهتان را به آن‌ها جلب می‌کنم. «عزیر» که در این آیه نامش برده شده است، به زبان عبری «عزرا» خوانده می‌شود. عزرا دین یهود را تجدید نمود و تورات را بعد از آن که «بخت النصر» آن را از بین برد، به صورت کتابی به رشته تحریر درآورد. بعضی از مفسرین معتقدند تمام یهودیان معتقد نبودند «عزیر پسر خداست» بلکه عده‌ای از آن‌ها معتقد بودند ولی چون دیگران با آن مخالفتی نکردند، قرآن در حالت کلی این اعتقاد را به یهودیان نسبت داده است. (۱) **** ۱

- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۳۷۲ و ۳۷۳. (صفحه ۱۸۱) «عزیر» در لغت عرب همان «عزرا» در لغت یهود است. مثل عیسی و یحیی که همان یسوع و یوحنا است. به خاطر کارهایی که عزیر انجام داد دین یهود برای او اهمیت خاصی قائل است و او را «ابن الله» می خوانند. هر چند در بعضی روایات آمده که آن‌ها برای احترام این لقب را به عزیر داده‌اند، ولی در میان مردم، این طرز تفکر شکل گرفت که واقعا عزیر، پسر خداست، البته تمامی آن‌ها همچنین اعتقادی نداشتند ولی چون عده‌ای به آن معتقد و عده‌ای آن را نفی نمی کردند می توان گفت تمامی آن‌ها به آن معتقد بودند. ولی در مورد مسیحیان باید گفت آن‌ها واقعا معتقد بودند که مسیح فرزند خداست که این از بدعت‌های نصاری است. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۳۶۱ الی ۳۶۳. (صفحه ۱۸۲) خداوند، این اعتقاد یهود و نصاری را که برای خدا، پسر قائلند، هماهنگ شدن با مشرکان می داند. در رابطه با تشبیه اعتقادات یهود و نصاری با مشرکین مطالبی در دو تفسیر نمونه و المیزان ذکر شده است. از جمله «يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ» فهمیده می شود که یهودیان و نصاری همانند بت پرستانی اند که بت‌ها را پدر و پسر و الهه مادر و الهه همسر می نامیدند. امروزه مشخص شده اعتقاد آن‌ها همانند بوداییان و برهمنیان است. (۱) در ادامه آیه شباهت اعتقاد یهود و مسیح با اعتقاد مشرکان مورد بحث **** ۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۳۷۴. (صفحه ۱۸۳) قرار می گیرد. جمعی از محققین در این رابطه تحقیق کردند و دریافتند که اعتقاد مسیحیان و یهودیان با برهمنیان و بوداییان بسیار نزدیک است. در مجمع‌البیان آمده که منظور از «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ» این است که خداوند آن‌ها را از رحمت خود دور کند. (۱) در آیه ۷۲ / مائده عیسی به بنی اسرائیل می گوید که کسانی که به خدا شرک بورزند، خداوند آن‌ها را از بهشت محروم می کند و جایگاه آن‌ها دوزخ است. «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (۷۲ / مائده) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۳۶۴. (صفحه ۱۸۴) کسانی که گفتند: همانا خداوند همان مسیح پسر مریم است. همانا کفر ورزیدند و مسیح گفت: ای بنی اسرائیل خدا را بندگی کنید. (که) پروردگار من و شماست همانا او هر کس را که به خدا شرک ورزد، بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او آتش است و برای ستمکاران یارانی نیست. در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق آمده است: کفری بالاتر از این نیست که خداوند نامحدود از هر جهت را یگانه و متحد بدانیم با مخلوقی که از هر جهت محدود است. در این آیه مسیح برای رفع هرگونه شبهه اذعان می کند که هر کس برای خدا شریک قائل شود، خدا بهشت را بر او حرام کرده است و باز برای تأکید بیشتر شرک را نوعی ظلم دانست و گفت برای ظالمان یآوری نیست. (۱) **** ۱ - تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۳۳. (صفحه ۱۸۵)

«کتابنامه»

۱ قرآن کریم ۲ انجیل عیسی مسیح ۳ ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ۲۰ جلدی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی. ۴ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران (معاصر)، ۲۷ جلدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران. ۵ مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، ۱۵ جلدی، انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان. ۶ ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ۴۰ جلدی، انتشارات محمدی. ۷ فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، محمد بیستونی، ۲ جلدی، انتشارات بیان جوان، قم. ۸ عیسی در قرآن، احمد بهشتی، ۱ جلدی، انتشارات اطلاعات، تهران.

بسم الله الرحمن الرحيم جاهدوا بأموالكم و أنفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۱۸۰-۰۹۰ IR ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰۰-۰۰۰۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاوندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

